

An Interpretation of the Patterns of Urban Space Reproduction Using Discourse Analysis (case study: Lalehzar Street)

Mahsa Sasanfar¹, Mahmud Rezaei^{2*} and Varaz Moradi Masihi³

1. PhD. student, Department of Urban Planning, CTC., Islamic Azad University, Tehran, Iran

2. Associate Professor, Department of Architecture, CTC., Islamic Azad University, Tehran, Iran

3. Assistant Professor, Department of Urban Planning, CTC., Islamic Azad University, Tehran, Iran

Highlights:

The components of power, politics, and capital are influential in the formation of urban space.

Using a variety of discourses, we can reach the agencies existing in the space. These agencies are sometimes located around power and sometimes at the center of power.

ARTICLE INFO

EXTENDED ABSTRACT

UPK, 2025

VOL. 9, Issue 2, PP, 119-139

Received: 17 Nov 2024

Accepted: 20 Feb 2025

Article Type:

Research article

Keywords: Reproduction of space, event-place agency, spontaneous-aggressive agency, peripheral-central orientation

Cite this article:

Sasanfar, M., Rezaei, M., Moradi Masihi, V. (2025). An Interpretation of the Patterns of Urban Space Reproduction Using Discourse Analysis (case study: Lalehzar Street). Urban Plan Knowl, 9(2), 119-139.

DOI:

[10.22124/upk.2025.28877.1986](https://doi.org/10.22124/upk.2025.28877.1986)

Introduction The current research will aim to answer this question: How can capital reproduction be interested in the historical contexts of the city, especially Lalehzar Street in Tehran, from the Safavid period until the Islamic Republic? Various components are involved in the spatial reproduction pattern. The complexity of this issue is increased when the diverse impact of these components is taken into account in terms of activism and their numerous behavioral characteristics. Depending on the position of the designer and the participation of others, the spectrum of activism varies from spontaneous, relative, interactive, multiplicative, or popular to aggressive, absolute, and elitist. The agency may also sometimes revolve around the power or its center, which still has a different impact on space reproduction. Since there are a variety of layers, capacities, and solutions to the reproduction of urban space through a variety of discourses and narratives, the analysis of discourse in architecture and urban planning as a research method in these areas has been neglected. Therefore, the purpose of the present study is to find a new way of producing space and its use in urban planning.

Methodology: This study will try to collect rich insights and mental meanings. It will also focus on a variety of discourse. As a result, the present study is more of a theoretical approach. The discourses of different periods of urban space reproduction will be examined with the best explanation. As mentioned, the focus of the present study is on a variety of discourse, and hence the study is qualitative and multiple.

Results: The main components of space were recognized by politics, power, and capital. The main component of power consists of (modernism, national territory, governance, urban planning, democratic approach) and has a more central trajectory. the political component encompasses structures such as (community, culture, political developments, and elements of gender). The component of capital (economics, knowledge, art, collective and collective memories) is related to the first component, and all three can change from the periphery to the periphery, leading to new reproduction. In this struggle, the city's public space changes.

*Corresponding Author: Mahmud.Rezaei@iau.ac.ir



Copyright: © 2024 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license <https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>

The main concepts that generally affect space and the reproduction of space are three codes (open, pivotal, and selected): power, politics, and capital. The findings suggest that the productive pattern, with varying degrees of the intertwining of historical events, has been “located-germ” with more main components with “spontaneous-invasive” and “peripheral-central” reproduction capability

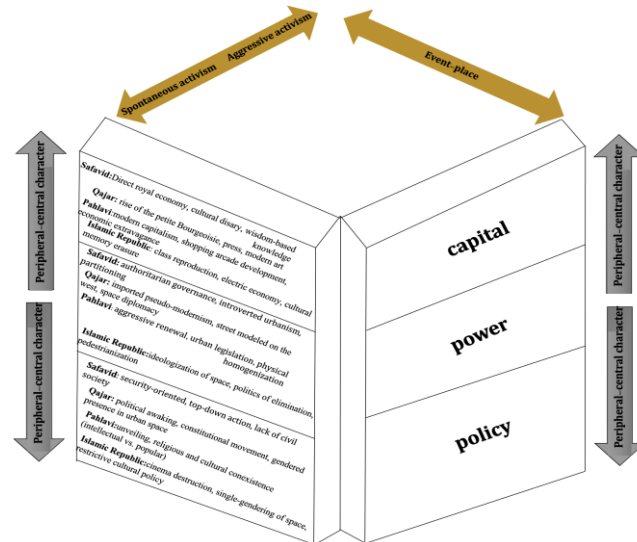


Diagram1. The relationship of the main components with place-event, action and character

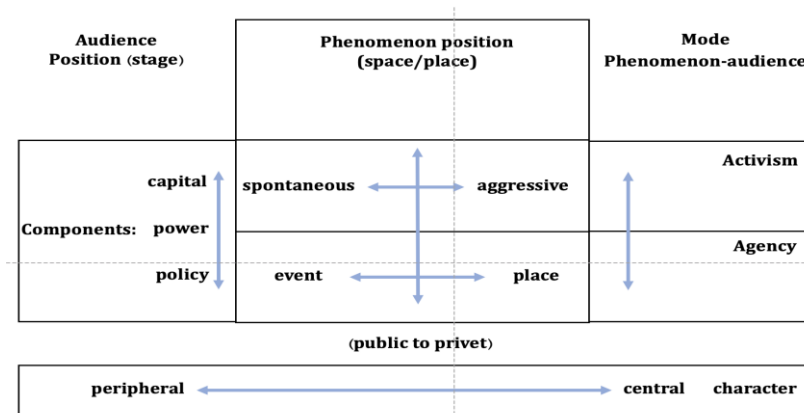


Diagram2. The emerging pattern from the research

Conclusion: The interviewing of historical events of varying degrees factor in creating urban space that identifies the location-germ. the spatial components of politics, power, and capital are the main actors who are recognizable and act in the range of “spontaneous-invasive” to “aggressive” and “planning” depending on which component operates in the more central or peripheral secretary, the amount of this activism is still variable. therefore, the factors provide a variety of alternatives to spatial reproduction to the proportion of action and character.

تفسیری بر الگوی بازتولید فضاهای شهری بر پایه‌ی روش تحلیل گفتمان؛ (نمونه‌ی موردی: خیابان لاله‌زار)

مهسا ساسانفر^۱، محمود رضایی^{۲*} و وراز مرادی مسیحی^۳

۱. دانشجوی دکتری گروه شهرسازی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲. دانشیار گروه معماری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۳. استادیار گروه شهرسازی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

نکات برجسته:

مولفه‌های قدرت، سیاست و سرمایه در شکل‌گیری فضاهای شهری اثرگذار هستند. با استفاده از انواع گفتمان‌ها می‌توان به عملیتهای موجود در فضا دست یافت. این عملیتهای گاهی پیرامون قدرت و گاهی در مرکز قدرت قرار می‌گیرند.

چکیده

اطلاعات مقاله

بیان مسئله: بازتولید فضایی در شهرها، فرآیندی پیچیده و چند لایه است که در نتیجه‌ی کنش متقابل سه عامل کلیدی شکل می‌گیرد: عاملیت مکان-رویداد، کنشگری و منش. این سه عامل در بسترهای تاریخی و گفتمانی، بر چگونگی تولید، سازماندهی و معنای فضا اثرگذارند. خیابان لاله‌زار تهران، به عنوان یکی از نخستین خیابان‌های مدرن ایران، طی چهار دوره‌ی تاریخی صفویه، قاجار، پهلوی و جمهوری اسلامی، بستر ظهور گفتمان‌ها، کنشگران و عملکردهای متنوعی بوده و از این حیث نمونه‌ای ممتاز برای مطالعه‌ی بازتولید فضا بشمار می‌رود. اگرچه پژوهش‌های پیشین عمدتاً بر ابعاد کالبدی، سیاستگذاری یا زیبایی‌شناسانه‌ی این خیابان تمرکز داشته‌اند، اما تحلیل پیوند میان گفتمان‌های تاریخی، کنش فضایی و لایه‌های معنایی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. پژوهش حاضر با تلفیق چارچوب مفهومی «مکان-رویداد» و روش تحلیل گفتمان، کوشیده است رویکردی میان رشته‌ای برای تبیین فرآیندهای بازتولید فضایی ارائه دهد.

روش: پژوهش با رویکرد کیفی و به کمک تحلیل گفتمان و تحلیل محتوای کیفی استقرایی انجام شده است. خیابان لاله‌زار در چهار دوره‌ی تاریخی با استفاده از منابع نوشتاری، دیداری و نقشه‌ها، در سه سطح انتزاعی (کدهای باز، محوری، منتخب) کدگذاری و تحلیل شده است.

یافته‌ها: سه مولفه‌ی قدرت، سیاست و سرمایه، در پیوند با طیف کنشگری (خودجوش تا تهاجمی)، منش (پیرامونی تا مرکزی)، و عاملیت مکان-رویداد، الگوهای متنوعی از بازتولید فضایی را در خیابان لاله‌زار شکل داده‌اند.

نتیجه‌گیری: مولفه‌های اصلی فضا سیاست، قدرت و سرمایه تشخیص داده شده‌اند. مولفه‌ی اصلی قدرت است که منشی مرکزی‌تر دارد. مولفه‌ی سیاست با مولفه‌ی سرمایه پیرامونی‌تر از مولفه‌ی اول بوده و هر سه می‌توانند با تغییر منش از پیرامونی به مرکزی اولویت‌دهنده‌ی عملیتهای شده و منجر به بازتولیدی نوین شوند. در این کشاکش فضای عمومی-خصوصی شهر تغییر می‌کند.

دانش شهرسازی، ۱۴۰۴

دوره ۹، شماره ۲، صفحات ۱۳۹-۱۱۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۲۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۰۲

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

کلید واژه‌ها: بازتولید فضایی، عاملیت مکان-رویداد، کنشگری خودجوش-تهاجمی، منش پیرامونی-مرکزی

ارجاع به این مقاله:

ساسانفر، مهسا، رضایی، محمود، مرادی مسیحی، وراز (۱۴۰۴). تفسیری بر الگوی بازتولید فضاهای شهری بر پایه‌ی روش تحلیل گفتمان (نمونه‌ی موردی: خیابان لاله‌زار). دانش شهرسازی، ۹(۲)، ۱۱۹-۱۳۹.

DOI:

[0.22124/upk.2025.28877.1986](https://doi.org/10.22124/upk.2025.28877.1986)

نویسنده مسئول: Mahmud.Rezaei@iau.ac.ir



Copyright: © 2024 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license <https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>

بیان مسئله

پرسش راهبردی این پژوهش آن است که: بازتولید فضایی در بسترهای تاریخی شهر، به‌ویژه خیابان لاله‌زار تهران طی دوران صفویه تا جمهوری اسلامی چگونه قابل تفسیر است. با وجود آن‌که در دهه‌های اخیر، موضوع «فضا» و «بازتولید فضایی» در رشته‌های مختلفی مانند جامعه‌شناسی شهری، جغرافیای انسانی و انسان‌شناسی شهری مطرح شده است و نظریه‌پردازانی همچون لوفور، هاروی، سوجا و اسمیت سهم مهمی در توسعه ادبیات آن داشته‌اند، هنوز هم در مطالعات معماری و شهرسازی ایران کمتر به آن به‌مثابه یک پدیده‌ی تاریخی-گفتمانی توجه شده است. به‌ویژه تحلیل گفتمان در این حوزه‌ها، که می‌تواند لایه‌های پنهان معناسازی فضایی را نمایان کند، در ادبیات معاصر مغفول مانده است.

مطالعات خیابان لاله‌زار به‌عنوان یکی از خیابان‌های کلیدی در تاریخ تحولات شهری تهران - از باغات خارج حصار شهر دوران صفوی، باغ سلطنتی دوران قاجار تا محور مدرن‌سازی پهلوی و سپس کانون تجارت الکترونیک در جمهوری اسلامی - فرصتی منحصر به فرد برای تحلیل بازتولید فضا در پیوند با گفتمان‌های قدرت، سیاست و سرمایه فراهم می‌آورد.

در مطالعات پیشین، هرچند به ابعاد معماری و اجتماعی این خیابان پرداخته شده است، اما رویکردهای گفتمان‌محور که به بررسی رابطه‌ی میان «کنش فضایی» و «نظام‌های معنایی مسلط» بپردازند، کمتر مشاهده می‌شود. از جمله، پژوهش‌هایی مانند آثار (Habibian & Rahmanpour, 2015; Moradi, 2015; Pourzargar, Abedini & Etemadi, 2021; Atashinbar, 2023) که بیشتر به نمودهای تاریخی و زیبایی‌شناسی خیابان پرداخته‌اند و تحلیل لایه‌مند گفتمانی را در بر ندارند. از این‌رو، نوآوری اصلی این پژوهش در تمرکز بر پیوند میان لایه‌های معنایی گفتمان‌های تاریخی با الگوهای بازتولید فضا است؛ به‌ویژه تحلیل سه‌گانه‌ی کشگری «خودجوش تا ته‌اجمی»، منش «پیرامونی تا مرکزی» و عاملیت «مکان-رویداد». این رویکرد تحلیلی می‌کوشد تا از دل رویدادهای تاریخی، الگویی برای بازتولید فضاهای شهری ارائه دهد و بستری برای بازاندیشی در طراحی و برنامه‌ریزی فضا محور فراهم کند.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

فضا و بازتولید فضای شهری

مفهوم فضا و به‌ویژه «تولید فضا» همواره یکی از کانون‌های بحث در مطالعات شهری و شهرسازی بوده است. با توجه به پیچیدگی‌های این مفهوم و فرایندهای گوناگونی که در شکل‌گیری فضاهای شهری درگیر هستند، «تولید فضای شهری» به‌عنوان مبحثی میان‌رشته‌ای تلقی می‌شود. از همین‌رو، اندیشمندان متعددی از حوزه‌هایی چون جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی، جغرافیای شهری، تاریخ و فلسفه، تلاش کرده‌اند تا جنبه‌های گوناگون تولید فضا را در زمینه‌های مدرن و پست‌مدرن تحلیل کنند.

در میان جامعه‌شناسان، کارل مارکس^۱ از نخستین کسانی است که مفاهیم مرتبط با بازتولید فضا را بنیاد نهاد. وی در کتاب سرمایه به مفاهیمی چون ارزش، مبادله، مالکیت خصوصی، از خودی‌گانگی و سود اشاره می‌کند که همگی به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم با فضا ارتباط دارند. مارکس نشان می‌دهد که سرمایه و مالکیت خصوصی، نقشی اساسی در شکل‌گیری فضا ایفا می‌کنند، به‌ویژه از طریق تقسیم کار فضا‌مند در نظام سرمایه‌داری. در نگاه او، فضا صرفاً یک بستر خنثی نیست، بلکه ساختاری است که متأثر از مناسبات تولید و مصرف و تحت سیطره‌ی منطق سرمایه‌داری عمل می‌کند (Marx, 1990). جورج زیمل، جامعه‌شناس نوکانتی، در مقاله‌ی کلاسیک خود با عنوان «کلان‌شهر و حیات ذهنی» به یکی از نخستین تحلیل‌های جامعه‌شناختی و روان‌شناختی درباره‌ی تجربه‌ی زیستن در کلان‌شهر پرداخته است. از نظر زیمل، کلان‌شهر نه تنها محیطی فیزیکی بلکه یک وضعیت روانی و فرهنگی است که در آن فرد برای حفظ استقلال و فردیت خود ناگزیر به اتخاذ واکنش‌هایی عقلانی، خنثی و محاسبه‌گرانه در برابر شدت محرک‌های محیطی می‌شود. زیمل بر آن است که کلان‌شهر، اقتصاد پولی، تقسیم کار و زمان‌بندی دقیق، جای روابط عاطفی و کیفی را می‌گیرد و ذهنیت شهری را به سمت نوعی عقل‌گرایی دفاعی سوق می‌دهد. او با تمایز نهادن میان دو گونه‌ی فردگرایی - آزادی فردی در برابر سلطه‌ی ساختارهای سنتی و تمایز فردی در دل نظام‌های مدرن - کلان‌شهر را به‌عنوان بستر تاریخی شکل‌گیری این دو گرایش متضاد معرفی می‌کند. بدین ترتیب، اندیشه‌ی زیمل بنیان نظری مهمی برای تحلیل تجربه‌ی فرد در فضاهای شهری، به‌ویژه در زمینه‌ی مواجهه با نظم‌های اجتماعی، روابط بی‌چهره و بازتولید ساختارهای قدرت در فضا فراهم می‌آورد (Simmel, 1971).

^۱ Karl Marx

هارنری لوفور، فیلسوف مارکسیست فرانسوی، بیش از هر اندیشمند دیگری مفهوم تولید اجتماعی فضا را بسط داده است. او در اثر بنیادین خود «تولید فضا»، فضا را نه پدیده‌ای صرفاً فیزیکی، بلکه برساختی اجتماعی و سیاسی می‌داند که در آن روابط قدرت، ایدئولوژی و عملکردهای اقتصادی و سیاسی تبلور می‌یابند. لوفور با طرح سه‌گانه‌ی دیالکتیکی فضا – شامل پرکتیس فضایی، بازنمایی فضا و فضای بازنمایی – نگاهی نو به تحلیل فضامندی ارائه می‌کند. او همچنین مفهوم «حق به شهر» و «فضای ایالت» را مطرح کرده و خواستار برنامه‌ریزی دموکراتیک و مشارکتی شده است (Brenner & Elden, 2009; Lefebvre, 1991).

ادوارد سوچا در کتاب «فضای سوم» با نقد دوگانه‌انگاری رایج در اندیشه‌ی فضایی – که فضا را یا مادی و قابل اندازه‌گیری می‌داند یا ذهنی و نمادین – رویکردی تریالکتیکی به فضامندی ارائه می‌دهد که متأثر از نظریه‌ی فضای اجتماعی هارنری لوفور است. او این سه‌گانه‌نگری را بر پایه‌ی فضاهای ادراک‌شده، تصویرشده و زیسته بنا می‌نهد و آن را در حوزه‌های مختلفی چون فمینیسم فضایی، نقد پسااستعماری و نظریه‌ی قدرت میشل فوکو دنبال می‌کند. هدف سوچا، فرار رفتن از محدودیت‌های تحلیل‌های دوقطبی رایج و گشودن میدان جدیدی برای تخیل جغرافیایی در بازاندیشی فضاهای واقعی و خیالی معاصر است. کتاب او به‌مثابه‌ی سفری نظری – تجربی در شهرها و اندیشه‌ها، بر اهمیت فهم هم‌زمان مادی، نمادین و زیسته‌ی فضا در بستر سیاست و تفاوت‌ها تأکید دارد. (Soja, 1996).

دیوید هاروی نیز در ادامه‌ی سنت مارکسیستی، در نوشتار خود تحت عنوان «شهری‌شدن سرمایه: مطالعاتی در تاریخ و نظریه‌ی شهری‌شدن سرمایه‌دارانه» به رابطه‌ی بین شهرنشینی و سرمایه‌داری می‌پردازد و بررسی می‌کند که چگونه انباشت سرمایه و مبارزه‌ی طبقاتی قادر به تولید فضاهای شهری است و نقش قدرت و سیاست را در شکل‌دادن به شهرها برجسته می‌کند. وی در نوشتار دیگر خود تحت عنوان «از مدیریت‌گرایی تا کارآفرین‌گرایی: دگرگونی در حکمرانی شهری در سرمایه‌داری متأخر» معتقد است حکمرانی شهری دستخوش تحولی بنیادین شده است. در حالی که پیش‌تر رویکرد مدیریت‌گرایانه برای ارائه‌ی خدمات و تسهیلات عمومی متذکر بود، اکنون جای خود را به نگرشی کارآفرینانه داده که هدف اصلی آن جذب سرمایه، تقویت رشد محلی و ایجاد اشتغال است در نتیجه، پیوند میان تحولات شهری و توسعه‌ی اقتصادی بیش از پیش برجسته شده و حکمرانی شهری از یک نهاد خدماتی به عاملی فعال در میدان رقابت سرمایه‌داری تبدیل شده است. هاروی در سال ۱۹۹۰ در مقاله‌ی «میان فضا و زمان: تأملاتی درباره‌ی تخیل جغرافیایی» با تکیه بر تحلیل تاریخی – جغرافیایی، نشان می‌دهد که مفاهیم «فضا» و «زمان» نه پدیده‌هایی طبیعی بلکه ساختارهایی اجتماعی هستند که با این حال همچون واقعیت‌های عینی در سازمان‌دهی زندگی اجتماعی عمل می‌کنند. دگرگونی در برداشت‌های اجتماعی از فضا و زمان همواره، هم‌راستا با تحولات ساختاری در شیوه‌های تولید و مناسبات اجتماعی رخ داده است. در چارچوب سرمایه‌داری، به‌ویژه با رشد فناوری و شتاب گردش سرمایه، شاهد نوع «نابودی فضا به‌دست زمان» هستیم؛ به این معنا که فضا به‌واسطه‌ی تسریع زمان گردش سرمایه، به حاشیه رانده می‌شود. وی همچنین در کتاب عدالت اجتماعی و شهر^۱ با نگاهی مارکسیستی، روابط فضایی در شهر را در پیوند با ساختارهای نابرابری اجتماعی، توزیع قدرت و منطق سرمایه‌داری تحلیل می‌کند و در نهایت در سال ۲۰۰۰ در کتاب فضای امید^۲ با نقد نظم سرمایه‌دارانه‌ی پایان قرن بیستم، بر فقدان اراده‌ی سیاسی برای مقابله با نابرابری و تخریب محیط‌زیست اشاره می‌کند. او با تلفیق مفاهیم جهانی‌شدن، بدن و توسعه‌ی جغرافیایی نابرابر، به لزوم طراحی محیط‌های نوین زندگی و کار از پایین به بالا اشاره می‌کند. هاروی در این اثر با بررسی تاریخی جنبش‌های یوتوپیایی و مطالعه‌ی موردی شهر بالتیمور، نوعی یوتوپیای انتقادی یا دیالکتیکی را مطرح می‌کند که در آن تخیل سیاسی و اجتماعی، ابزاری برای مقاومت و بازآفرینی عدالت‌محور فضا است. او تأکید می‌کند که هرگونه بازاندیشی رادیکال باید پیوندی میان ویژگی‌های انسانی، نیروهای طبیعی و پویایی تاریخی برقرار کند (Harvey, 1985; 1988; 1989; 2000). ساسکیا ساسن در تحلیل خود از «شهرهای جهانی» به نقش شرکت‌های فراملی و نیروهای اقتصاد جهانی در شکل‌دادن به فضاهای شهری اشاره می‌کند. او تمرکز ثروت و طرد گروه‌های حاشیه‌نشین را از پیامدهای تولید فضای شهری در نظام جهانی سرمایه‌داری می‌داند و خواستار برنامه‌ریزی شهری فراگیرتر و عادلانه‌تر است (Sassen, 2001). دون میچل^۳ در رابطه با مفهوم «حق به شهر»، به دنبال مفهوم و پیامدهای آن برای عدالت اجتماعی و تولید فضای شهری است. او استدلال می‌کند که فضاهای شهری باید در دسترس و فراگیر باشند و فرصت‌هایی را برای همه‌ی افراد برای مشارکت در زندگی عمومی فراهم کنند. همچنین نقش جنبش‌های اجتماعی را در بازپس‌گیری فضاهای عمومی و به‌چالش کشیدن ساختارهای قدرت مسلط بررسی می‌کند. در انتها میچل نتیجه می‌گیرد که تولید فضای شهری باید عدالت اجتماعی و حق همه‌ی افراد برای دسترسی و شکل‌دادن به محیط‌های شهری را در اولویت قرار دهد. او بر لزوم فعالیت‌های مردمی و اقدام جمعی برای به‌چالش کشیدن نابرابری‌ها و ایجاد شهرهای فراگیرتر و دموکراتیک‌تر تأکید

¹ Social Justice and the city

² Space of Hope

³ Don Mitchell

می‌کند (Mitchell, 2003). در نهایت، نیل اسمیت در تحلیل پدیده‌ی اعیان‌سازی، آن را نه صرفاً فرآیندی اقتصادی بلکه سیاسی تلقی می‌کند که با بازتملک فضاهای شهری، نابرابری فضایی را تشدید می‌کند. او بر لزوم مداخله در جهت حفظ حقوق جوامع محلی و ترویج عدالت فضایی تأکید دارد (Smith, 1996).

این مرور نظری نشان می‌دهد که «تولید فضا» مفهومی پیچیده و چندلایه است که نه تنها نیازمند درک ساختارهای قدرت، سیاست و سرمایه، بلکه مستلزم بازاندیشی در شیوه‌های کنش‌گری و استفاده از فضاهای شهری در راستای عدالت اجتماعی و پایداری فرهنگی است. جدول ۱ مروری بر آراء و دیدگاه‌های فضایی صاحب‌نظران مرتبط با مفهوم فضا و تولید فضا است.

جدول ۱: مروری بر آراء و دیدگاه‌های فضایی صاحب‌نظران مرتبط با مفهوم فضا و تولید فضا

ردیف	نظریه پرداز-اثر	مفاهیم کلیدی	رویکرد به فضا
۱	کارل مارکس سرمایه (۱۹۹۰)	فضا به مثابه ساختاری اقتصادی	شکل‌گیری فضا تحت سلطه‌ی مناسبات تولید سرمایه‌داری، کالایی بودن فضا
۲	جورج زیمل کلان‌شهر و زندگی ذهنی (۱۹۰۳)	تجربه‌ی فضا در بستر مدرنیته	تأکید بر تأثیرات روانی-اجتماعی زندگی شهری بر سوزی مدرن؛ انفصال، فردیت، ریتم سریع
۳	هانری لوفور تولید فضا ۱۹۹۱ [۱۹۹۷]	سه‌گانه‌ی فضایی (ادراک شده، تصور شده، زیسته)	فضا به عنوان محصول روابط اجتماعی، فضا به عنوان امری اجتماعی و دیالکتیکی و نه خنثی
۴	ساسکیا ساسن شهر جهانی (۱۹۹۱)	جهانی شدن و فضا	سازماندهی مجدد فضا به واسطه‌ی منطق سرمایه جهانی، تمرکز بر شهرهای جهانی
۵	ادوارد سوچا فضای سوم (۱۹۹۶)	فضای سوم	بازخوانی لوفور از منظر پسا مدرن؛ فضا به عنوان ساختی هم زمان، واقعی، ذهنی و زیسته
۶	نیل اسمیت مرز شهری جدید (۱۹۹۶)	تولید فضا از طریق تملک مجدد	فضا تابع منطق «انباشت از طریق سلب مالکیت»، تحلیل پدیده‌هایی چون بازآفرینی
۷	دیوید هاروی عدالت اجتماعی و شهر (۱۹۷۳)، فضای امید (۲۰۰۰)	فضا به مثابه فرآیند و ابزار قدرت	تحلیل فضا در چارچوب دیالکتیک سرمایه‌داری، تمرکز بر نابرابری فضایی، عدالت فضایی
۸	دون میچل حق شهر (۲۰۰۸)	فضا به مثابه میدان مبارزه	فضا به عنوان عنصری سیاسی، مبارزه‌ی گروه‌های محروم برای حضور در فضا، نقد رژیم‌های فضایی ناعادلانه

برگرفته از: (Marx, 1887; Simmel, 1971; Harvey, 1988; Lefebvre, 1991; Soja, 1996; Smith, 1996; Harvey, 2000; Sassen, 2001; Mitchell, 2003)

در سال‌های اخیر، نظریه‌ی «تولید فضا»ی هانری لوفور به یکی از چارچوب‌های مرجع در مطالعات فضایی بدل شده است. پژوهش‌هایی مانند ادما و اوهین، با تحلیل سه شهر پسا صنعتی، نشان داده اند که فضاهای عمومی شهری، محصول ائتلاف‌های اجتماعی و گفتگمانی هستند و مفهوم «فضای تمایز یافته»ی لوفور می‌تواند به فهم منازعات فضایی کمک کند (Edema & Owhin, 2016). در ایران، آشوری و همکاران با استفاده از مدل سه‌گانه‌ی لوفور، به تحلیل شکاف‌های ادراک فضایی میان نهادها و ساکنان در سکونتگاه‌های غیررسمی پرداختند (Aahouri, Irandoost, & Khaleghpanah, 2018).

در سطح جهانی، تولید فضا در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، در پیوند با منطق سرمایه‌داری و اقتدار سیاسی، بازتعریف شده است. به‌طور نمونه، سردار پروژه‌ی فرودگاه استانبول را در قالب «بازپس‌گیری فضا» تحلیل می‌کند؛ فرایندی که در آن دولت، فضا را در خدمت گفتگان سلطه و بازنمایی ملی به کار می‌گیرد (Serdar, 2025). در رویکردی تاریخی، گاتز در مطالعات شهر لیون، تولید فضا را فرایندی اجتماعی و چندلایه در تعامل با قدرت، سرمایه و تاریخ معرفی می‌کند (Gauthiez, 2020). همچنین، لتووری بر دیالکتیک تجربه، تعارض و کنش شخصی در تولید فضای عمومی تأکید می‌ورزد و بازاندیشی مفهومی در برنامه‌ریزی فضایی را ضروری می‌داند (Lehtovuori, 2016). در ایران، مطالعاتی چون فارابی‌اصل و همکاران با تمرکز بر اراضی عباس‌آباد، فضا را به‌عنوان محصول روابط قدرت، چارچوب‌های قانونی و گفتگان‌های مسلط بررسی کرده اند (Farabi Asl, Rafieian, & Khatibi, 2021). این پژوهش‌ها نشان داده اند که فضا در نسبت با کنشگران دولتی و غیبت مشارکت مردمی، بازتولید می‌شود.

در مجموع، اگرچه ادبیات بین‌المللی، به‌ویژه در زمینه‌ی پروژه‌های کلان و شهرهای پسا صنعتی، غنی است، در بستر ایرانی، به‌ویژه درباره‌ی فضاهای تاریخی مانند خیابان لاله‌زار، پژوهش‌های گفتگان‌محور کمتر صورت گرفته است. پژوهش حاضر تلاش می‌کند با تکیه بر تحلیل گفتگان، این خلأ را پر کرده و الگوی مفهومی جدیدی برای فهم بازتولید فضا ارائه دهد.

عاملیت مکان-رویداد^۱

رویدادها به‌طور استاندارد به پدیده‌هایی اطلاق می‌شوند که در بستر زمان و با سرعت نسبی رخ می‌دهند. هر رویداد همواره با واقعیتی همراه است؛ بدین معنا که «این رویداد واقعاً اتفاق افتاده است». چنین رویدادهایی، که به‌عنوان واقعیت‌های تجربی تلقی می‌شوند، موجودیت‌هایی حساس و چندوجهی‌اند که به‌راحتی نمی‌توان آن‌ها را در قالب‌های مفهومی مختلف، بازتوصیف یا بازتعریف کرد. از این‌رو، رویدادها را می‌توان به‌عنوان مجموعه‌ای از توابع از مکان‌های مکانی-زمانی به‌سوی انواع موقعیت‌ها در نظر گرفت، که در قالب دنباله‌ای از اشیاء و روابط بین آن‌ها تعریف می‌شوند. در این میان، افعال نیز نقشی کلیدی در تمایز میان انواع رویدادها ایفا می‌کنند: افعالی که فاقد وجه استمرار دارند و به وضعیت‌ها اشاره دارند؛ افعالی که وجه استمرار در آن‌ها به معنای وجود گذشته‌ی کامل است (فعالیت‌ها)؛ و افعالی که وجه استمرار آن‌ها نفی‌کننده‌ی وجود گذشته‌ی کامل است و به «جراها» دلالت دارند (Roberto & Varzi, 2022).

در این میان، شولتز بر اهمیت بنیادین مکان در تجربه‌ی انسانی از رویدادها تأکید دارد. او معتقد است که مکان، هسته‌ای مرکزی برای درهم‌تنیدن تجربه‌های معنادار انسان با خویشستن و جهان پیرامون اوست. بدین ترتیب، می‌توان نتیجه گرفت که شولتز به پیوند میان مکان و شکل‌گیری رویدادها باور دارد (Pakzad, 2010).

از منظر تحلیلی، گفتمان‌ها ابزاری ارزشمند برای شناسایی عاملیت‌های موجود در فضا هستند. این عاملیت‌ها ممکن است در پیرامون یا در مرکز ساختار قدرت قرار داشته باشند و می‌توانند در قالب داده‌های مختلفی از جمله حافظه‌ها و روایت‌های مجازی بروز یابند. این دسته از داده‌ها عمدتاً در بستر گفتمان قابل شناسایی‌اند و اغلب با فضاهایی گره‌خورده‌اند که میزبان رویدادهایی خاص در طول زمان بوده‌اند. از این‌رو، «مکان-رویداد»ها به‌عنوان مفاهیم کلیدی، ظرفیت آن را دارند تا در فرایند طراحی، مکان‌سازی و برنامه‌ریزی شهری مورد توجه قرار گیرند. این مکان-رویدادهای بالقوه، در بستر فضای شهری پنهان‌اند و از طریق تحلیل گفتمان می‌توان آن‌ها را احضار و بازخوانی کرد تا بستری برای بازتولید معنادار فضا فراهم شود.

کنشگری خودجوش و تهاجمی در فرایند بازتولید فضای شهری

کنشگران شهری همواره در تعاملاتی پیچیده و پویا با فضاهای شهری قرار دارند. آنان در مسیر دستیابی به اهداف، نیازها و خواسته‌های خود، به بازتعریف و بازتولید فضا می‌پردازند و از این طریق، قدرت خود را در بستر فضا بازنمایی می‌کنند. در مقابل، ویژگی‌ها و ظرفیت‌های ذاتی فضا نیز بر الگوهای رفتاری و نوع بهره‌برداری انسانی تأثیرگذار بوده و مسیر کنش‌های فضا را جهت‌دهی می‌کنند. به‌ویژه، زمین شهری به‌دلیل پیوند تنگاتنگ با سازوکارهای حکمرانی، همواره در معرض تنش و منازعه قرار دارد؛ چراکه در فرایند رسمی برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری مشارکت داشته و نقش تعیین‌کننده‌ای در نتایج حاصل از این فرایندها ایفا می‌کند. برای نمونه، در بسیاری از شهرهای جهان، شیوه‌های تصرف و تخصیص زمین موجب بروز چالش‌هایی در زمینه‌ی عدالت فضایی و حقوق بهره‌برداری شده‌اند (Farabi, 2023).

در این میان، نقش طراحان و کاربران فضا، به‌عنوان دو گروه اصلی کنشگر، در فرایند تولید فضا اهمیت فزاینده‌ای یافته است. مداخله‌ی طراحان، به‌ویژه هنگامی که از منظر نخبه‌گرایانه صورت گیرد، معمولاً منجر به خلق فرم‌هایی انتزاعی و فاقد پیوند ارگانیک با ارزش‌ها و نیازهای واقعی جامعه می‌شود. این نوع طراحی، اغلب رویکردی پدرسالارانه، تهاجمی و مطلق‌نگر دارد. در نقطه‌ی مقابل، طراحی مشارکتی و کثرت‌گرا بر حضور و نقش‌آفرینی مستقیم و فعال کاربران در فرایند طراحی تأکید دارد. در این نوع مشارکت، ارزش‌های جمعی، گفت‌وگو و تعامل چهره‌به‌چهره، جایگزین تصمیم‌گیری‌های بالا به پایین می‌شود و طراح و شهروند، هر دو به‌طور هم‌ارز در تولید معنا و فرم فضا نقش‌آفرینی می‌کنند (Rezaei, 2014).

در تحلیل بازتولید فضا، می‌توان طیفی از کنشگری را در نظر گرفت که از خودجوش تا تهاجمی امتداد دارد. «کنشگری خودجوش» به کنش‌هایی اشاره دارد که از پایین به بالا، با مشارکت مردمی و در بستر تعامل و تکرر انجام می‌شوند. در مقابل، «کنشگری تهاجمی» به اقداماتی گفته می‌شود که از بالا به پایین، مبتنی بر قدرت نهادی یا فردی، و عمدتاً بدون مشارکت مردمی صورت می‌گیرند. در واقع، مکان-رویدادها در بستر تاریخی خود، بسته به موقعیت کنشگران و شرایط گفتمانی غالب، می‌توانند توسط هر یک از این دو نوع کنشگری فعال

^۱ Event-Place

شوند. این تلقی طیفی از کنشگری، امکان تحلیل نحوه‌ی شکل‌گیری فضاها را بر اساس عاملیت، مشارکت و نسبت قدرت در فرایند مکان‌سازی فراهم می‌کند.

منش پیرامونی-مرکزی در تولید مکان

جهان‌بینی و نگرش انسان به فضا در طول تاریخ، از دوره‌های کلاسیک تا مدرن و معاصر، دچار تحولات مفهومی بنیادینی شده است. این تحولات نه تنها در عرصه‌ی فلسفه و طراحی، بلکه در شیوه‌ی مکان‌سازی و تولید فضا نیز نمود یافته‌اند. در دوره‌ی کلاسیک، مفاهیم «فضا» و «زمان» به صورت مجزا در نظر گرفته می‌شدند؛ اما در دوره‌ی مدرن، این دو در قالب «فضا-زمان» به هم پیوستند و در عصر معاصر، با تأثیر فناوری اطلاعات و ارتباطات، مفهوم «فضا-زمان-اطلاعات» جایگزین آن‌ها شد (Rezaei, 2014).

در این چارچوب مفهومی، فرایند تولید و بازتولید مکان را می‌توان متأثر از منش «پیرامونی-مرکزی» دانست. این منش به رابطه‌ی میان جایگاه قدرت، عاملیت‌های اجتماعی و سیاست‌های مسلط در نحوه‌ی شکل‌گیری مکان‌ها اشاره دارد. در منش مرکزی، مکان-رویدادها عمدتاً تحت تأثیر مستقیم عاملیت‌های قدرتمند و ساختارهای حاکم شکل می‌گیرند و سیاست و حاکمیت نقش تعیین‌کننده‌ی در سازمان‌دهی آن‌ها ایفا می‌کنند.

در مقابل، منش پیرامونی زمانی پدیدار می‌شود که این عاملیت‌ها، ساختارهای مسلط یا سیاست‌ها به حاشیه رانده شده یا تغییر می‌یابند؛ در این حالت، مکان‌ها و رویدادها از منظر نیروهای غیردولتی، مردم‌محور یا خارج از نظام رسمی بازتعریف می‌شوند. بنابراین، مکان-رویدادها را می‌توان بر اساس میزان نزدیکی یا فاصله‌شان با منش مرکزی یا پیرامونی در هر برهه‌ی تاریخی تحلیل و طبقه‌بندی کرد. این چارچوب تحلیلی، امکان فهم پویایی تاریخی مکان‌ها و نقش گفتمان‌های غالب یا مغلوب در شکل‌گیری آن‌ها را فراهم می‌سازد.

راهبرد موردکاوی درونی و عمیق

از آن‌جا که الگوی بازتولید فضا با درجات مختلفی از درهم‌آمیزی رویدادهای تاریخی، واجد عاملیت «مکان-رویداد» است، و تولید یا اضمحلال فضا و مکان در دوره‌های گوناگون تاریخی تابعی از تغییر بازیگران، موقعیت‌ها، عملکردها، ارزش‌ها، شیوه‌های معیشت و روابط فضایی بوده است، می‌توان این دگرگونی‌ها را به مثابه‌ی سازوکارهای گفتمانی تحلیل کرد (Fakouhi, 2004).

موردکاوی پژوهش حاضر، خیابان لاله‌زار تهران (حدفاصل میدان امام‌خمینی تا خیابان انقلاب اسلامی) است؛ خیابانی که طی ادوار تاریخی از صفویه تا امروز، صورت‌بندی‌ها و بازتولیدهای گوناگونی از فضا را تجربه کرده است.

در دوره‌ی صفویه، شاه طهماسب به سبب اهمیت حرم حضرت عبدالعظیم (ع) و مسیر رفت‌وآمد به شهر ری، تهران را در سال ۱۵۶۴ میلادی به عنوان پایگاهی امن برگزید و دستور احداث حصار، برج و بارو و دروازه‌هایی با الگوی شهرسازی سنتی را صادر کرد (Rezaei, Marzi & Shojaee, 2022). در این مقطع، باغ لاله‌زار که در خارج از حصار طهماسبی و در شمال شرق آن قرار داشت، جزو اراضی برون‌شهری محسوب می‌شد. در این دوره، مؤلفه‌ی قدرت همراه با سرمایه‌ی حکومتی، نقشی تعیین‌کننده در شکل‌گیری ساختار فضایی تهران ایفا می‌کرد و با منشی مرکزی، در چارچوب گفتمان غالب شهرسازی سنتی، به تولید فضا از طریق ساخت‌وسازهای برنامه‌ریزی شده می‌پرداخت.

دوره‌ی دوم تحولات فضایی تهران، با تبدیل آن از قریه‌ای سرسبز به پایتخت ایران در دوران آقامحمدخان آغاز می‌شود. به گفته‌ی عالمی، تهران در این دوران به شهری بدل شد که در آن نهادهای مدرن برگرفته از شهرهای اروپایی در کنار عناصر سنتی همزیستی داشتند (Aleami, 1985). از همین رو، می‌توان تولید فضا در دوره‌ی قاجار را گفتمانی مبتنی بر الگوپردازی از شهرهای اروپایی دانست.

با روی کار آمدن ناصرالدین‌شاه و رشد جمعیت تهران، وی دستور تخریب حصار طهماسبی و احداث حصاری جدید بر اساس نمونه‌های شهرسازی رنسانسی اروپا را صادر کرد. در پی این اقدام، فضاهای نوینی در محدوده‌ی حصار جدید قرار گرفتند؛ از جمله باغ لاله‌زار و باغ نگارستان. باغ لاله‌زار که در دوره‌ی فتح‌علی‌شاه ایجاد شده بود و شامل چهار عمارت و کارکردهایی چون پذیرایی از میهمانان خارجی و تفرج درباریان بود، در دوره‌ی ناصری و در پی پرداخت غرامت قرارداد رؤی به فروش رسید. ناصرالدین‌شاه پس از بازدید از خیابان شانزلیزه در سفر فرنگ، تصمیم گرفت خیابانی مشابه آن در محل باغ لاله‌زار احداث کند (Moradi, 2015; Atashinbar, 2023; Pouladvand, 2012; Habibi & Ahari, 2007).

خیابان‌بندی‌های این باغ به دست حاج نجم‌الدوله طراحی شد و به تبع آن، فضاهای جدیدی نظیر ساختمان بانک شاهی (در بدنه‌ی شمال شرقی میدان توپخانه)، باغ وحش، پارک در ضلع شرقی خیابان و منازل مسکونی با الگوی اروپایی در ضلع غربی خیابان احداث شدند (Habibian & Rahmanpour, 2015). پس از ناصرالدین‌شاه و با وقوع انقلاب مشروطه در دوران محمدعلی‌شاه، خیابان لاله‌زار اوج

دوران سیاسی خود را تجربه کرد. بازگشایی دفاتر روزنامه‌های مختلف و همچنین تأسیس و افتتاح مطبعه‌ی فاروس در ضلع شرقی خیابان لاله‌زار، در ابتدای کوچه‌ی بهار، که در دوران مختلف تا پاسی از شب پاتوق بزرگان و فرهیختگان علم، سیاست و ادبیات بود، نقشی اساسی در تحولات سیاسی دوران مشروطه بر عهده داشت؛ به‌طوری که دفاتر روزنامه‌ها، انتشارات مختلف و نخستین چاپ سرود ملی ایران - معروف به مارش ملی - همگی در مطبعه‌ی فاروس انجام شد.

بنابراین، می‌توان گفتمان غالب در دوران قاجار را نوعی گفتمان نوگرایی و الگوبرداری اروپایی دانست که در آن، مؤلفه‌های قدرت (ساخت باغ و خیابان لاله‌زار، ایجاد باغ‌وحش)، سرمایه (فروش باغ لاله‌زار، تأسیس بانک شاهی) و سیاست (چاپ سرود ملی، افزایش آزادی‌های اجتماعی، توسعه‌ی زندگی شبانه) در تولید فضا نقش کلیدی داشتند. در این دوران، کنشگری تهاجمی از بالا به پایین سبب شد تا در این میان، قدرت و سرمایه به‌عنوان مؤلفه‌های غالب گفتمانی شناخته شوند.

در ادامه‌ی این روند، با ورود به دوره‌ی پهلوی، الگوی تولید و بازتولید فضا دستخوش تحول شد و گفتمان مدرنیزاسیون جایگزین گفتمان نوگرایی قاجار گردید. با آغاز سلطنت رضاشاه، تغییرات عمده‌ای در ساختار فضایی شهر تهران - و به تبع آن خیابان لاله‌زار - پدید آمد. رضاشاه دستور تخریب تمامی حصارها و دروازه‌های تهران را صادر کرد و در این چارچوب، دروازه‌ی ورودی خیابان لاله‌زار نیز تخریب شد. همچنین در دوره‌ی شهرداری تیمسار بوذرجمهری، خیابان لاله‌زار به سمت شمال تا خیابان شاهرضا (انقلاب اسلامی) امتداد یافت (Atashinbar, 2023).

در ادامه‌ی تحولات فضایی خیابان لاله‌زار، در دوره‌ی پهلوی، تخریب طاق‌نماهای دوسوی خیابان به‌منظور رعایت خط آسمان و اجرای قانون پیش‌آمدگی معابر و گذرها انجام گرفت (Atashinbar, 2023; Habibian & Rahmanpour, 2015). همچنین، به‌منظور سامان‌دهی سیمای خیابان، استفاده از مصالح ساختمانی به دو نوع مشخص (آجر و سیمان) محدود شد. از جمله دیگر اقدامات اجرایی در این دوره، می‌توان به شفته‌ریزی و آسفالت‌سازی خیابان لاله‌زار در سال ۱۳۱۹ اشاره کرد.

در حوزه‌ی سرمایه‌ای، تغییر نام بانک شاهی به بانک ایران و انگلیس و ساخت بنای جدید برای آن پس از کسب انحصار چاپ اسکناس، از دیگر تحولات شاخص این دوره بود. با استقرار گفتمان مدرنیزاسیون در دوره‌ی پهلوی، کاربری‌های نوینی با معماری مدرن و با به‌کارگیری معماران برجسته‌ای چون نیکلای مارکف، وارطان هوانسیان و کمال طاهرزاده‌ی بهزاد در خیابان لاله‌زار شکل گرفتند (Moradi, 2015; Rzaei, 2020; Habibian & Rahmanpour, 2015; Pourzargar et al, 2021). این کاربری‌ها شامل پاساژها (یسنا، لاجوردی، رزاق‌منش)، سینماها (البرز، ایران، رکس)، تئاترها (نصر، تهران، جامعه‌ی باربد)، کافه‌ها و کباب‌رها بودند. همچنین، خیابان لاله‌زار در این دوران با احداث هتل‌هایی چون گراند هتل، هتل پارس، هتل پالاس و هتل لاله، به یکی از قطب‌های اقامتی تهران تبدیل شد. وجود مزون‌ها و خیاطخانه‌ها نیز، که پاتوق روشنفکران فرهنگی و سیاسی بودند، به‌ویژه در کوچه‌های برلن و مهران، به پویایی فضایی این خیابان افزودند (Khorshidi, 2015).

تحولات سیاسی پس از انقلاب مشروطه تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ نیز تأثیر قابل‌توجهی بر فضای خیابان داشت. استقرار دفاتر احزاب سیاسی چون حزب توده، حزب پیکار و حزب میهن‌پرستان و فعالیت چاپخانه‌های مدرنی چون مطبعه‌ی فاروس، خیابان را به بستری برای کنش‌های سیاسی بدل ساخت. با وقوع کودتا، مطبعه‌ی فاروس به خیابان لاله‌زار نو منتقل و بنای آن به سینما و کاربری‌های تجاری تبدیل شد. در این دوره، فعالیت‌های سیاسی کاهش یافتند و جای خود را به کنش‌های فرهنگی و اجتماعی دیگری دادند (Moradi, 2015). گفتمان مدرنیزاسیون پهلوی، به گفتمان تجدد فرهنگی با محوریت پاساژها، کافه‌ها، سینماها و مد تغییر یافت و همچنان متکی بر تصمیم‌گیری‌های بالا به پایین و کنش‌گری تهاجمی حکومت بود.

در دوران پس از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷، بر اساس نگرش ایدئولوژیک جدید، بسیاری از کاربری‌های فرهنگی سابق مانند سینماها و تئاترها تعطیل و تخریب شدند؛ از جمله جامعه‌ی باربد به آتش کشیده شد و پاساژ حضرت ابوالفضل جایگزین آن گردید (Baharlu, 2023; Habibian & Rahmanpour, 2015). همچنین، کافه‌ی کرامت (کباب‌ری افق طلایی) به پاساژ فراز لاله‌زار تبدیل و پاساژ رزاق‌منش در سال ۱۳۹۹ تخریب و مجدداً ساخته شد (Khorshidi, 2015). بسیاری از بناهای دارای مالکیت خصوصی نیز با اخذ حکم از دیوان عدالت اداری، برای تغییر کاربری یا تخریب اقدام کردند. در این میان، سینما ایران و سینما نادر با مقاومت مردمی و انتشار اخبار در شبکه‌های اجتماعی، از تخریب نجات یافتند.

در این دوره، گفتمان غالب، گفتمان مرمت و بازآفرینی شهری است. سازمان زیباسازی شهر تهران برای حفاظت از بنای خانه‌ی اتحادیه (معروف به خانه‌ی دایی‌جان ناپلئون)، اقدام به تملک و مرمت آن کرد. همچنین برنامه‌هایی برای بازآفرینی تئاتر نصر وجود داشت که به دلیل

عدم توافق با مالک، به نتیجه نرسید. از اواسط دهه‌ی هفتاد تاکنون، طرح‌های متعددی برای بهسازی و نوسازی خیابان لاله‌زار پیشنهاد شده‌اند؛ از جمله:

- طرح بهسازی و بازسازی خیابان لاله‌زار (۱۳۷۳)، مهندسین مشاور کامران صفامنش و همکاران؛
- سامان دهی و تجدید ساختار محور تاریخی-فرهنگی لاله‌زار (۱۳۸۴)، مهندسین مشاور باوند؛
- باززنده‌سازی منظر و عملکرد خیابان (۱۳۸۶)، محمدرضا پولادوند؛
- امکان‌سنجی پیاده‌راه‌سازی خیابان لاله‌زار (۱۳۸۸)، شرکت مطالعات جامع حمل‌ونقل و ترافیک تهران؛
- نوسازی و بهسازی خیابان (۱۳۸۹-۱۳۹۰)، اداره‌ی پژوهش‌های کاربردی دانشگاه تهران؛
- مطالعات امکان‌سنجی احداث پیاده‌راه (۱۳۹۰)، شرکت مهندسین مشاور بهین تردد؛
- ارتقاء کیفیت زندگی در مرکز تاریخی (۱۳۹۵)، شهرداری منطقه‌ی ۱۲؛
- طرح سامان‌دهی، بهسازی و نوسازی خیابان لاله‌زار (۱۳۹۶)، مهندسین مشاور پویاشهر (Barghamdi & Mohaghegh, 2020, 117).

گفتمان دوره‌ی جمهوری اسلامی، گفتمان پروژه‌محور شهری است که طیفی از کنش‌گری‌های تهاجمی (مانند تملک املاک توسط نهادهای حکومتی) تا خودجوش (مانند حفاظت مردمی از سینماها) را دربرمی‌گیرد. در مؤلفه‌ی قدرت، تملک و مصادره‌ی املاک و اجرای پروژه‌های احیاء؛ در مؤلفه‌ی سیاست، حمایت از فضاهای تاریخی چون خانه‌ی اتحادیه و تئاتر نصر؛ و در مؤلفه‌ی سرمایه، کنش‌گری تهاجمی مالکان خصوصی، همگی گویای شکل‌گیری کالبدی جدید برای خیابان لاله‌زار هستند که بازتابی از ترکیب گفتمان‌های متکثر دوران جمهوری اسلامی است.

با توجه به جدول ۲، می‌توان تحلیل راهبردهای فضا و فضای شهری در خیابان لاله‌زار را در چهار دوره‌ی صفوی، قاجار، پهلوی و جمهوری اسلامی در سه مؤلفه‌ی قدرت، سیاست و سرمایه مورد واکاوی قرار داد.

جدول ۲: تحلیل راهبردهای فضا و فضای شهری بر اساس مولفه‌های اصلی قدرت، سیاست، سرمایه

دوره‌های تاریخی و گفتمان غالب				
مؤلفه‌های اصلی و راهبردهای فضایی	گفتمان صفویه (ساخت شهر با الگوی سنتی)	گفتمان قاجار (رواج الگوی اروپایی)	گفتمان پهلوی (مدرنیزاسیون)	گفتمان جمهوری اسلامی (طرح‌های شهری)
سرمایه	منابع سلطنتی متمرکز درباری-وقفی انحصار معرفت دینی	تجارت نوین دربار محور غربزدگی	اقتصاد اجاره‌گیر بورژوازی نوکیسه سرکوب گفتمان دگر اندیش	تک منظوره‌سازی اقتصادی سامان دادن یک خرد ویژه ایدئولوژی دینی
قدرت	الگوهای سنتی حکمی نبود ساختار مطلقه	مدرنیته منورالفکری تجربه‌ی ابتدایی دموکراسی پارلمانی	مدرنیزاسیون روشنفکری دموکراسی نمایشی/کنترل شده	بومی گرایی و اسلام گرایی عوام‌گرایی باورهای نخبه‌گرایانه‌ی تشیع
سیاست	ساختار دینی-سلطنتی اقتدار دینی-سیاسی حجاب فقهی	دموکراسی خواهی نوپا ظهور احزاب حجاب پرده‌نشین مدرن	نظم سکولار ملی‌گرا احزاب مستقل با گرایش جهان‌سومی کشف حجاب	باور فقه سنتی / هوادار فقه پویا نسبیت باوری فرهنگی قانون حجاب

پژوهش حاضر در چارچوب پارادایم تفسیرگرا و با رویکردی استقرایی انجام شده است. راهبرد اصلی تحقیق، مطالعه‌ی موردی درونی و عمیق با تمرکز بر خیابان لاله‌زار تهران، در بازه‌ی زمانی صفویه تا جمهوری اسلامی، به روش تحلیل گفتمان و تحلیل محتوای کیفی استقرایی آشکار صورت گرفته است. فرآیند تحلیل از سه سطح انتزاع شامل: (۱) یک‌صد و شانزده کد باز، (۲) دوازده کد محوری، و (۳) سه کد منتخب انجام شده است. این کدگذاری‌ها به صورت دستی و بر اساس تکرار معانی، مفاهیم و الگوهای زبانی در منابع مختلف انجام گرفته‌اند. همچنین نقشه‌های متعددی از خیابان لاله‌زار در بازه‌های زمانی ۱۳۰۹ هجری قمری تا ۱۴۰۳ هجری شمسی بررسی گردیده‌اند. این بررسی‌ها بر مبنای گونه‌های متنوعی از اسناد بازنمایی فضاهای شهری و گفتمان‌های مؤثر در آن‌ها صورت گرفته است. اسناد مورد تحلیل در چهار دسته‌ی اصلی طبقه‌بندی شده‌اند که شامل:

- **اسناد نوشتاری:** شامل بیست و یک مقاله، چهارده کتاب، دو سفرنامه و سه روایت؛
- **اسناد دیداری:** شامل سی عکس، بیست و هشت اسکس و بیست و یک نقاشی؛
- **اسناد دیداری-شنیداری:** شامل شش فیلم و چهار مستند؛
- **اسناد شنیداری:** شامل یازده پادکست.

هدف از تحلیل این داده‌ها، شناسایی سازوکارهای گفتمانی مؤثر بر بازتولید فضاهای شهری بوده است. گفتمان‌ها ساختارهای اجتماعی را می‌سازند و از طریق پیوند با روابط قدرت و سرمایه‌های نمادین، قادر به تولید و بازتولید ایدئولوژی‌ها هستند. افزون بر آن، گفتمان‌ها ماهیتی چندوجهی دارند؛ به گونه‌ای که زبان در حال استفاده، خواه نوشتاری، گفتاری یا سایر اشکال ارتباطی مانند تصویر، حرکت، صدا و حتی نشانه‌های غیرکلامی، همگی در تولید معنا نقش دارند. بازی‌های رایانه‌ای، فیلم‌ها، سخنرانی‌های سیاسی، گزارش‌های خبری، مد، موسیقی و دیگر اشکال ارتباط انسانی، بخشی از بستر گفتمانی تلقی می‌شوند (Muliani & Khatib Nur Ali, 2022).

در پیوند با این مفاهیم، میشل فوکو نیز در تحلیل خود از سازوکارهای گفتار، آن را صرفاً وسیله‌ی انتقال میل یا بازتاب قدرت نمی‌داند، بلکه خود گفتار را موضوع میل و میدان مبارزه تلقی می‌کند. وی تأکید می‌کند که گفتار نه تنها حامل منازعات قدرت است، بلکه بستری است که مبارزه برای قدرت در آن جریان می‌یابد. گفتار هم‌زمان ابزاری برای سلطه و هدف سلطه‌جویی است و هر جامعه با مکانیزم‌هایی مشخص به ساماندهی، کنترل و پالایش گفتار می‌پردازد تا خود را از خطرات معنا، تصادف رخداد و مادیات سنگین آن مصون دارد (Foucault, 1971). این رویکرد، بنیانی نظری برای تحلیل گفتمان به مثابه‌ی میدان پیکار معناها، قدرت‌ها و مقاومت‌ها فراهم می‌آورد.

تحلیل گفتمان، رویکردی کیفی و میان‌رشته‌ای است که بسته به زمینه‌ی نظری و اهداف پژوهشی در حوزه‌های مختلف به گونه‌ای متفاوت فهم و اجرا می‌شود (Johnson & McLean, 2020). این رویکرد با فرض اهمیت بنیادی گفتمان‌ها در تمامی سطوح اجتماعی، از تجربه‌های فردی تا ساختارهای کلان، یکی از تحولات برجسته در سنت تحقیق کیفی به شمار می‌آید (Mohammadpour, 2021). تحلیل گفتمان، گفتمان‌ها را به مثابه‌ی کنش‌های اجتماعی در نظر می‌گیرد که در شکل‌گیری هویت‌ها، هنجارها و ادراک‌ها ایفای نقش می‌کنند و هم‌زمان دارای ابعاد آشکار و پنهان‌اند. اگرچه تحلیل گفتمان فاقد یک روش علمی واحد است، اما از منطق‌های تحلیلی گوناگونی بهره می‌برد که یکی از مهم‌ترین آن‌ها تحلیل محتوای کیفی است.

تحلیل محتوای کیفی چارچوبی مشخص ندارد و بسته به هدف پژوهش، به استخراج و کدگذاری معانی متنی می‌پردازد. در این روش، پژوهشگر ابتدا مضامین مورد نظر را شناسایی و در قالب کدهایی دسته‌بندی کرده، سپس متون را بر اساس این کدها طبقه‌بندی می‌کند. این رویکرد، که بر منطق تقلیل مبتنی است، به توصیف نظام‌مند ابعاد مشخصی از داده‌ها کمک می‌کند. تحلیل محتوای کیفی، در یک سوی طیف خود، به زمینه‌مندی تفسیر و نقش تفسیری کدها تأکید دارد. در مقابل، تحلیل گفتمان به بررسی عمیق‌تر سازوکارهای زبانی و پیامدهای اجتماعی-سیاسی گفتمان‌ها می‌پردازد. به همین سبب، این دو روش مکمل یکدیگرند: تحلیل محتوای کیفی گستره‌ی داده‌ها را دربر می‌گیرد و تحلیل گفتمان، عمق تفسیری آن‌ها را تأمین می‌کند (Alejandro & Zhao, 2024).

بر همین اساس، پژوهش حاضر با رویکردی کیفی، به تفسیر الگوهای بازتولید فضاهای شهری بر پایه‌ی تحلیل گفتمان می‌پردازد. تمرکز آن بر فهم لایه‌های مختلف معنا در گفتمان‌هایی است که در تولید فضاهای شهری نقش دارند. این بررسی، درک عمیق‌تری از چگونگی تولید فضاهای شهری به واسطه‌ی فرآیندهای گفتمانی فراهم می‌آورد.

یافته‌ها و بحث

تحلیل داده‌های این پژوهش، با تکیه بر روش تحلیل گفتمان و در چارچوب نظریه‌ی تولید و بازتولید فضا، به شناسایی سه مؤلفه‌ی اصلی در بازتولید فضای شهری خیابان لاله‌زار انجامیده است: قدرت، سیاست و سرمایه. این سه مؤلفه، به مثابه نیروهای جهت‌دهنده، در تعامل با یکدیگر و بر بستر زمان و مکان، نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری گفتمان‌های مسلط و فرایندهای فضاسازی در این خیابان ایفا کرده‌اند. تحلیل لایه‌های معنایی گفتمان‌های تاریخی مؤثر بر لاله‌زار نشان می‌دهد که این خیابان، نه تنها یک کالبد فیزیکی، بلکه مجموعه‌ای از «مکان-رویداد»هایی است که در بستر تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی دگرگونی یافته است. همان‌طور که واژه‌ی «میدان»، با برتری حس مکان و کیفیت تجربه‌ی انسانی، از «فلکه» متمایز می‌شود، خیابان لاله‌زار نیز از یک باغ آیینی در دوره‌ی صفویه، به راسته‌ای تجاری-فرهنگی در عصر پهلوی، و سپس به بستری برای پروژه‌های بازآفرینی و سیاست‌گذاری مشارکتی در جمهوری اسلامی تبدیل شده است.

همچنین، یافته‌ها نشان می‌دهند که در دوره‌ی اخیر، از اواسط دهه‌ی ۱۳۸۰ به بعد، گفتمان‌هایی نظیر پیاده‌راه‌سازی، مشارکت مردمی، شهر هوشمند و نوسازی با رویکرد دانش‌بنیان، به تدریج جایگزین گفتمان‌های کالبدگرا و مداخله‌گر گذشته شده‌اند (Rezaei, 2019; Rezaei & Irani Molkian, 2020; Rezaei, 2022; Rezaei, Marzi & Shojaee, 2022). این دگرگونی‌های گفتمانی، همگی در بستر تعامل میان منش‌های مرکزی و پیرامونی قدرت، سیاست و سرمایه، و در قالب طیفی از کنشگری‌های تهاجمی تا خودجوش رخ داده‌اند.

گفتمان دوره‌ی صفوی (ساخت شهر با الگوی سنتی)

در دوره‌ی صفوی، گفتمان غالب در شکل‌دهی به فضای شهری تهران، مبتنی بر الگوی سنتی ایرانی شهرسازی بود که با تأکید بر مفاهیمی چون: امنیت، انسجام درونی و تداوم کالبدی-فرهنگی شهرها تعریف می‌شد. با توجه به موقعیت راهبردی تهران و سفرهای مکرر خاندان صفوی به زیارتگاه حضرت عبدالعظیم حسنی (ع)، شاه طهماسب در سال ۱۵۶۴ میلادی، این ناحیه را به‌عنوان یک پایگاه دفاعی قابل اتکا انتخاب کرد. در نتیجه، شکل‌گیری شهر تهران بر مبنای رویکردی بالابهدپایین و با محوریت کنشگری تهاجمی دولت آغاز شد؛ رویکردی که در آن، شاه به‌عنوان کنشگر مرکزی، سامان فضایی شهر را بر اساس یک طرح از پیش طراحی‌شده هدایت می‌کند.

از جمله اقدامات کلیدی در این دوره، احداث چهار دروازه و دیوارهای دفاعی پیرامون شهر بود که به‌واسطه‌ی آن، تهران به چهار ناحیه‌ی اصلی تقسیم شد. این نواحی با فضای حفرشده‌ی پیرامونی، نظیر چاله‌میدان و چاله‌حصار، تقویت می‌شدند و کارکرد نظامی و حفاظتی نیز می‌یافتند (Rezaei, Marzi, & Shojaee, 2022, p.153).

در این دوران، تولید فضا بر پایه‌ی یک منطق «مرکزی» صورت می‌گرفت؛ بدین معنا که کنشگر اصلی در شکل‌دهی فضا، دولت صفوی بود که با نگاهی اقتدارگرایانه و از بالا به پایین، هدایت و جهت‌دهی کالبدی شهر را در دست داشت. منش حاکم در این دوره، مبتنی بر کنترل متمرکز، طراحی هدایت‌شده و رویکردی یکپارچه به سازمان فضایی شهر بود. چنین منطقی با گفتمان سیاسی دوران صفوی هم‌خوانی داشت که به دنبال تثبیت ساختار دولت-ملت و بازنمایی قدرت در قالب نظم فضایی و معماری بود.

گفتمان دوره‌ی قاجار (رواج الگوی اروپایی؛ نوگرایی و حضور)

در دوره‌ی قاجار، خیابان لاله‌زار به‌عنوان نماد نوگرایی شهری، تحت تأثیر گفتمان‌های مدرنیته، اصلاحات فضایی و تماس با غرب، به یکی از نقاط عطف در تاریخ تحول کالبدی و اجتماعی تهران بدل شد. در این دوره، منش غالب تولید فضا همچنان «مرکزی» باقی ماند؛ به این معنا که عاملیت‌ها عمدتاً از بالا به پایین، در چارچوب اقتدار حکومت مرکزی، به بازآفرینی فضا پرداختند. با این حال، بسترهایی برای شکل‌گیری کنشگری‌های «خودجوش» نیز فراهم شد و خیابان لاله‌زار به عرصه‌ای برای برخورد دوگانه‌ی تهاجم دولتی و مقاومت اجتماعی تبدیل گردید. در مؤلفه‌ی قدرت، عاملیت‌های مدرنیسم، قلمروی ملی، حکمرانی شهری و برنامه‌ریزی مدرن در تولید فضا نقش محوری ایفا کردند. گسترش تهران از طریق تخریب حصار طهماسبی و ایجاد باروی جدید، زمینه‌ساز احداث خیابان لاله‌زار شد؛ خیابانی که با الهام از شانزلیزه‌ی پاریس طراحی و ساخته شد و باغ سلطنتی لاله‌زار را به فضای عمومی بدل کرد (Pourzargar et al, 2021). احداث نهادهای حاکمیتی چون بانک شاهی (Habibian & Rahmanpour, 2015) و کنسولگری‌ها (Moradi, 2015)، به‌عنوان مصادیق بارز کنشگری تهاجمی در چارچوب حکمرانی و قلمروی ملی، نشان‌دهنده‌ی تولید فضای دولت‌محور با رویکرد تقویت اقتدار سیاسی-اقتصادی بودند.

در مؤلفه سیاست، خیابان لاله‌زار به فضایی برای بروز اجتماع، فرهنگ و تحولات سیاسی تبدیل شد. ورود فناوری‌های نو، مانند تراموا و چراغ‌برق، خیابان را به پاتوقی مدرن بدل کرد که در آن، روشنفکران، دیپلمات‌ها، هنرمندان و نیروهای سیاسی گرد هم می‌آمدند (Moradi, 2015). این خیابان در جریان انقلاب مشروطه، به کانونی برای کنشگری‌های خودجوش تبدیل شد و کافه‌ها، رستوران‌ها و کتابفروشی‌ها به مراکز گفت‌وگوی سیاسی بدل گردیدند. همچنین، حضور زنان در خیابان و پارک لاله‌زار، گواهی بر ورود عاملیت جنسیت به فضای شهری بود که با تغییر سبک پوشش همراه بود (Habibian & Rahmanpour, 2015; Atashinbar, 2023). این تحولات، نشان‌گر دیالکتیک میان فضاهای رسمی و تجربه‌ی زیسته‌ی شهروندان و گسترش کنشگری‌های تعاملی در کنار اقتدارگرایی رسمی بود.

در مؤلفه‌ی سرمایه، خیابان لاله‌زار محل تلاقی سرمایه‌های اقتصادی، فرهنگی و نمادین شد. احداث مغازه‌های لوکس و فروش اجناس فرنگی (Moradi, 2015)، ورود چاپخانه‌ها و دفاتر روزنامه‌ها و نیز تأسیس هنرستان هنرپیشگی در لایه‌های بالای مطبوعه‌ی فاروس (Habibian & Rahmanpour, 2015)، همگی مصادیق کنشگری‌های خودجوش و خلاق در حوزه‌ی دانش و هنر بودند. این فعالیت‌ها، در عین وابستگی به مالکیت خصوصی و اقتصاد شهری، نمایان‌گر تولید فضاهای زیسته از پایین‌به‌بالا، و با نظارت و کنترل مستقیم دولت بود.

در مجموع، خیابان لاله‌زار در دوره‌ی قاجار، تحت تأثیر منش مرکزی نظام حکمرانی، بازتولید فضایی یافت که هم‌زمان حامل گفتمان‌های اقتدار، مدرنیته و نوگرایی بود؛ اما این فضا، به واسطه‌ی حضور نیروهای اجتماعی، فرهنگی و جنسیتی، به فضایی چندلایه و متکثر بدل شد که در آن، «تولید فضا» هم محصول برنامه‌ریزی دولتی و هم نتیجه‌ی کنشگری اجتماعی تلقی می‌شد.

گفتمان دوره‌ی پهلوی (مدرنیزاسیون: گفتمان پاساژها، سینماها، کافه‌ها، پوشاک و صنایع)

دوره‌ی پهلوی، به‌ویژه از زمان سلطنت رضا شاه، نقطه‌ی عطفی در فرایند مدرنیزاسیون فضایی در خیابان لاله‌زار به‌شمار می‌رود. در این دوره، تولید فضا «مرکزی» و از بالا به پایین، به واسطه‌ی قدرت حاکم، بیش از هر زمان دیگری در طراحی شهری متجلی می‌شود. تخریب دروازه‌ی ورودی خیابان لاله‌زار، حذف طاق‌نماهای سنتی، و جایگزینی آن‌ها با بناهای دو طبقه با رعایت خطوط نوسازی شهری، نشان‌گر نوعی «کنشگری تهاجمی» در سامان‌دهی ساختار کالبدی فضا است (Habibian & Rahmanpour, 2015).

در حوزه‌ی سیاست، شاهد تلفیقی از عاملیت حاکمیتی و کنشگری خودجوش هستیم. به عنوان نمونه، «کشف حجاب اجباری» به عنوان سیاستی از بالا، زمینه‌ساز حضور فزاینده‌ی زنان در عرصه‌های عمومی شد که در خیابان لاله‌زار، با گسترش کافه‌ها (کرامت، افق طلایی، مولن‌روژ)، سالن‌های تئاتر (نصر، تهران، پارس، فردوسی، جامعه‌ی باربد) و مغازه‌های مدرن (پیرایش، جنرال مد، داروخانه‌ی یاکوب، کراوات مسعودنیا)، خود را در قالب کنشگری روزمره و خودانگیخته بازتاب داد (Atashinbar, 2023). خیابان لاله‌زار با تنوع مذهبی (کنیسه، مسجد، کلیسا) بدل به بستر فضایی بازنمایی هم‌زیستی دینی در دوره‌ای از تاریخ معاصر شد.

در سطح اجتماعی و فرهنگی، خیابان لاله‌زار طی دهه‌های ابتدایی پهلوی، محل تبلور فرهنگ روشنفکری بود؛ اما پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ شمسی، این خیابان با ورود اقشار عام‌تر (اصطلاحاً کلاسه‌مخملی‌ها) به سمت فرهنگ کوچه‌بازاری متمایل شد که نوعی تغییر گفتمانی از «مرکز» به «پیرامون» را نشان می‌دهد (Moradi, 2015). به عبارتی، منش روشنفکری به تدریج به حاشیه رفت و فرهنگ عامه جای آن را گرفت.

در حوزه‌ی سرمایه، اقتصاد خیابان لاله‌زار تحت تأثیر گسترش مدل تجاری پهلوی اول، از مغازه‌های لوکس تا بانک شاهی، با کنشگری تهاجمی ساختارمند توسعه یافت. احداث پاساژهای مدرن مانند لاجوردی، رزاق منش و یسنا، موجب جابه‌جایی عملکرد اقتصادی از شکل سنتی بازار به مدلی مبتنی بر سرمایه‌داری مدرن شد. این گسترش مدل تجاری، پس از سال ۱۳۳۲ و با گسترش شهر تهران به سمت شمال، در خیابان لاله‌زار رو به افول گذاشت.

در عرصه‌ی هنر، خیابان با توسعه‌ی تماشاخانه‌ها، خیاطخانه‌ها و سالن‌های اپرا، به بستری برای بروز کنشگری فرهنگی مردمی و خودجوش تبدیل شد؛ هنری که گرچه با هدایت از بالا آغاز شد، اما به مرور به ساحت زیسته‌ی کاربران راه یافت، تنزل یافت و در کالبد خیابان ماندگار شد.

در نهایت، حافظه‌ی جمعی و فردی از خیابان لاله‌زار در این دوره، با رویدادهایی نظیر کودتای بیست و هشت مرداد، کشف حجاب، ظهور سبک‌های نوین، پوشش و تحول فضایی، درهم تنیده شد و نشان می‌دهد که خیابان نه تنها مکان عبور، بلکه صحنه‌ای برای تقابل منش‌ها، عاملیت‌ها و بازنمایی گفتمان‌ها در بازه‌های تاریخی مختلف است.

گفتمان دوره‌ی جمهوری اسلامی: (طرح‌های شهری: پیاده‌راه‌سازی، مشارکت مردمی)

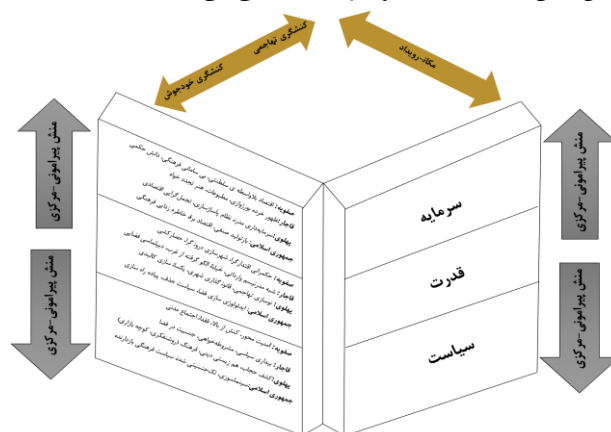
در دوره‌ی جمهوری اسلامی، تحولات رخ داده در خیابان لاله‌زار بازتابی از جابه‌جایی منش تولید فضا از مدرنیسم به‌سوی ارزش‌های نوین ایدئولوژیک و دینی بود. این دوره با حذف تدریجی عناصر مدرن پیشین - نظیر سینماها، تئاترها و کافه‌ها - آغاز شد و با گسترش کاربری‌های صنفی همچون فروشگاه‌های لوازم الکتریکی، چهره‌ی خیابان را به‌کلی دگرگون کرد. در این راستا، کنش‌های فضا‌سازانه‌ای از بالا به پایین شکل گرفتند که از منشی مرکزی برخوردار بودند. با این حال، از دهه‌ی ۱۳۸۰ شمسی و هم‌زمان با رواج گفتمان پیاده‌راه‌سازی، گفتمان‌هایی با محوریت مشارکت مردمی در بدنه‌ی سیاست‌گذاری شهری نفوذ یافتند. این گفتمان‌های نوین، هرچند در قالب طرح‌های رسمی ظاهر شدند، اما رگه‌هایی از کنشگری‌های خودجوش مردمی را نیز در دل خود داشتند که نوعی طیف از «خودجوش-تهاجمی» را در شکل‌گیری فضا رقم زدند.

در حوزه‌ی سیاست، رخدادهایی چون انقلاب اسلامی، سینماسوزی، محدودیت‌های اعمال‌شده بر فعالیت‌های فرهنگی و هنری، و در مقابل، ظهور برخی جنبش‌های شهری و تلاش برای بازخوانی خیابان لاله‌زار در قالب هویت تاریخی، نشان‌دهنده‌ی دگرگونی جدی در کنشگران و عاملیت‌های مؤثر در تولید فضا هستند. کنشگری جنسیتی نیز در این دوره متحول شد؛ چراکه خیابان، که در دوران پهلوی فضای تعادل جنسیتی را تجربه کرده بود، اکنون به فضایی عمدتاً مردانه و تک‌جنسیتی بدل شده است. این تحول نیز بازتابی از تغییر سیاست‌های فرهنگی-اجتماعی نظام حاکم و جهت‌گیری‌های برنامه‌ریزی شهری پس از انقلاب بود.

در حوزه‌ی سرمایه، عاملیت اقتصاد و هنر در مقایسه با ادوار پیشین دچار دگردیسی شد. به‌عنوان نمونه، اقتصاد خیابان لاله‌زار با تمرکز بر صنوف برق و الکترونیک به نحوی سازمان یافت که نقش فرهنگی و هنری خیابان را به حاشیه راند. این دگرگونی، نه‌تنها چرخش در نوع کاربری‌ها را نشان می‌دهد، بلکه الگوی جدیدی از بازتولید فضا را با منشی پیرامونی در حوزه‌ی سرمایه مطرح می‌کند. در حوزه‌ی دانش نیز، با تبدیل برخی نهادهای فرهنگی یا آموزشی پیشین (نظیر دانشکده‌ی حقوق یا مدرسه‌ی سن‌لویی و ژاندارک) به کاربری‌های جدید، شاهد نوعی کنش تهاجمی از سوی نهادهای دولتی در جهت بازتعریف سرمایه‌ی دانشی در خیابان بودیم. در مقابل، خاطرات جمعی و فردی ساکنان و کاربران این فضا، که از گذشته‌های فرهنگی و هنری خیابان لاله‌زار نشأت می‌گیرند، به‌تدریج به لایه‌ای پیرامونی بدل شدند و بازتاب آن‌ها تنها در قالب روایت‌ها و مستندات نوستالژیک باقی مانده است.

درمجموع، تحلیل گفتمان دوره‌ی جمهوری اسلامی در خیابان لاله‌زار نشان می‌دهد که فضا تحت‌تأثیر منش «پیرامونی-مرکزی» و در قالب طیفی از کنشگری «خودجوش-تهاجمی» بازتولید شده است. تغییرات در سیاست‌ها، برنامه‌ریزی‌های شهری، اولویت‌های اقتصادی، نحوه‌ی حضور اجتماعی و جنسیتی در فضا، و نوع سرمایه‌گذاری در عرصه‌های دانش و فرهنگ، همگی نشان از بازآرایی گفتمانی فضا دارند؛ بازآرایی‌ای که گاه تلاش کرده با بازآفرینی نمادین گذشته، انسجام جدیدی را در بطن فضای شهری برقرار کند.

درمجموع، تحلیل تطبیقی چهار دوره‌ی تاریخی نشان می‌دهد که مؤلفه‌های قدرت، سیاست و سرمایه در خیابان لاله‌زار، در تعامل با طیف‌های متغیر کنشگری (از خودجوش تا تهاجمی) و منش فضایی (از پیرامونی تا مرکزی)، الگوهای متنوعی از بازتولید فضایی را رقم زده‌اند. این الگوها را می‌توان در قالب یک مدل تحلیلی خلاصه کرد که در شکل ۱ نمودار ارتباط مؤلفه‌های اصلی ترسیم شده است. این نمودار، چگونگی هم‌نشینی مفاهیم «مکان-رویداد»، «کنشگری» و «منش» را در بستر گفتمان‌های چهارگانه‌ی تاریخی نمایش می‌دهد و ساختار فضامندی خیابان لاله‌زار را در کشاکش میان قدرت، سیاست و سرمایه بازنمایی می‌کند.



شکل ۱. نمودار ارتباط مؤلفه‌های اصلی با مکان - رویداد، کنش و منش

فرآیند تحلیل داده‌ها در این پژوهش بر پایه‌ی نظام کدگذاری سه‌مرحله‌ای انجام شده است؛ از استخراج کدهای باز از متون، تصاویر و اسناد تاریخی تا تجمیع آن‌ها در قالب کدهای محوری و نهایتاً بر ساخت سه کد منتخب به‌عنوان مؤلفه‌های اصلی تحلیل، این روند به شناسایی ابعاد پنهان گفتمان‌های تاریخی انجامید و امکان تحلیل لایه‌های مفهومی «قدرت»، «سیاست» و «سرمایه» را در بستر خیابان لاله‌زار فراهم ساخت. جدول ۳ ساختار کلی این کدگذاری را در ارتباط با گفتمان‌های چهارگانه‌ی تاریخی نمایش می‌دهد و نقش هر مؤلفه را در فرآیند بازتولید فضا آشکار می‌سازد.

جدول ۳: کدگذاری گفتمان‌ها (مؤلفه، کنش، عاملیت)

دوران تاریخی	گفتمان بر اساس کدهای منتخب (مؤلفه‌های اصلی)	کنشگری گفتمان کدهای محوری (عاملیت)	کدهای باز عاملیت گفتمان
گفتمان صفویه (ساخت شهر با الگوی سنتی) گفتمان قاجار (رواج الگوی اروپایی: نوگرایی و حضور)	سیاست تحولات سیاسی، عنصر جنسیت	اجتماع، فرهنگ، تحولات سیاسی، عنصر جنسیت	بروز رفتارهای جدید، ایجاد پاتوق‌های نوین، حیات شبانه، تعاملات اجتماعی، تنوع کاربری، حضور افراد با ادیان گوناگون، ایجاد حس اشتیاق، حضور و تنوع ملیتی، وجود کاربری‌های دیپلماتیک، وجود ابنیه‌ی دینی مختلف (مسجد، کلیسا)، حضور زنان با پوشش‌ها و چادرهای جدید، تعادل جنسیتی، ظهور مدرنیته در پوشش افراد، فعالیت‌های سیاسی و بروز آن در فضای عمومی ایجاد باغ در خارج از حصار شهری، گسترش شهر بر مبنای تخریب حصار طهماسبی، موقعیت قرارگیری خیابان لاله‌زار نسبت به میدان توپخانه، ظهور عنصر خیابان مدرن، گفتمان مفهوم خیابان جهانی با تمرکز بر قدرت، احداث بانک شاهی، ایجاد کاربری‌های نوین (سینما، تئاتر و فروشگاه)، فروش کالاها، لوکس‌فرنگی و جذابیت آن برای اقشار نوگرا، موقعیت قرارگیری کاربری‌های مسکونی نسبت به خیابان، ظهور عنصر مدرن پارک، وجود فضاهای دولتی
گفتمان پهلوی (مدرنیزاسیون: گفتمان پاساژها، سینماها و پوشاک و صنایع)	سرمایه اقتصاد، دانش، هنر، خاطرات جمعی و فردی	مالکیت خصوصی، سرمایه‌داری، استفاده از سبک‌های مختلف معماری، حضور انواع مردم با تفاوت‌های ظاهری، ایجاد حس اشتیاق، ظهور عنصر خیابانگردی	ایجاد پاتوق‌های نوین، پاتوق‌های خیابانی، بروز رفتار جدید در شهر (کافه‌گردی و کافه‌نشینی)، ایجاد پاتوق سیاسی در خیابان، وجود پاتوق مدرن در خیابان، وجود و تنوع کاربری‌های مختلف (زیر زمینی) در خیابان، حضور افراد مختلف با ادیان گوناگون، حضور و تنوع ملیتی در خیابان، حضور کاربری‌های دیپلماتیک در خیابان، وجود ابنیه‌ی دینی مختلف در خیابان، حضور افراد با ملیت‌ها و پست‌های مختلف، حضور و تنوع افراد با دین‌های مختلف، حضور افراد مختلف با فرهنگ‌های متنوع در خیابان، عدالت اجتماعی، عدالت فضایی، حق به شهر (از جنبه‌ی عدالت اجتماعی و دموکراسی شهری) تماشای فیلم به عنوان تفریح نوین، تحریک حس بویایی به واسطه‌ی استفاده از عناصر نوین، حضور کاربری‌های نوین، خرید کالاها، لوکس‌فرنگی و جذابیت آن برای اقشار نوگرا، ظهور پدیده‌ی مدرنیسم و مدرنیته در خیابان، تماشای تئاتر به عنوان تفریح نوین، حضور اتوبیل به عنوان نماد مدرن در خیابان، گسترش شهری، اهمیت خیابان لاله‌زار، ایجاد ستون فقرات جدید برای شهر، گسترش خیابان‌کشی و تحول شهر بر مبنای خیابان، ایجاد نفوذپذیری در اتصال به خیابان، تاثیر توسعه‌ی شهری بر سیاست و فرهنگ و هنر عامی، ایجاد تعادل جنسیتی در فضا، وجود فضاهای خدمات‌رسان دینی متنوع، پاتوق
	سیاست اجتماع، فرهنگ، تحولات سیاسی، عنصر جنسیت	اجتماع، فرهنگ، تحولات سیاسی، عنصر جنسیت	
	قدرت مدرنیسم، قلمروی ملی، حکمرانی و برنامه‌ریزی شهری، رویکرد دموکراتیک	مدرنیسم، قلمروی ملی، حکمرانی و برنامه‌ریزی شهری، رویکرد دموکراتیک	

دوران تاریخی	گفتمان بر اساس کدهای منتخب (مولفه های اصلی)	کنشگری گفتمان کدهای محوری (عاملیت)	کدهای باز عاملیت گفتمان
گفتمان جمهوری اسلامی (طرح های شهری؛ طرح های بازآفرینی و مشارکت مردمی)	سرمایه	اقتصاد، دانش، هنر، خاطرات جمعی و فردی	زنانه ی مدرن، تعامل زنان با فضای شهری، راحتی حضور زنان در فضا، حضور زنان در فضای شهری، حضور مردان در فضای شهری، پاتوق زنانه ی مدرن
	سیاست	اجتماع، فرهنگ، تحولات سیاسی، عنصر جنسیت	حضور افراد مختلف با فرهنگ های متنوع در خیابان، عدالت اجتماعی (در دسترس بودن، فراگیر بودن، مشارکت)، عدالت فضایی، اقدام جمعی، حضور مردان در فضای شهری، تک جنسیتی شدن خیابان
	قدرت	مدرنیسم، قلمروی ملی، حکمرانی و برنامه ریزی شهری، رویکرد دموکراتیک	شهر جهانی (با تمرکز بر قدرت و ثروت)، از خودبیگانگی، اهمیت خیابان لاله زار، خیابان لاله زار به عنوان قطب صنایع الکتریکی در سطح کشور
	سرمایه	اقتصاد، دانش، هنر، خاطرات جمعی و فردی	ارزش، ارزش اضافی، سود، مبادله ی کالا، مالکیت خصوصی، نوسازی اقتصادی، گفتمان نوسازی اقتصادی، حضور انواع مردم با تفاوت های ظاهری، وجود عناصر نشانه ای نوستالژیک در خیابان، رونق دانش و فروش لوازم الکتریکی

در زیر، پنج فضای شاخص از خیابان لاله زار به عنوان نمونه هایی معنادار جهت نمایش سه مؤلفه ی اصلی قدرت، سیاست و سرمایه انتخاب شده اند. هر یک از این فضاها در بستر گفتمان های دوره ای خود، حامل نشانه هایی از عاملیت مکان-رویداد و طیف کنشگری و منش تولید فضایی بوده اند. مدرسه ی سن لویی، خانه ی اتحادیه، کوچه ی باربد، کافه کرامت و سینما تابان، همگی نشان می دهند که فضاهای شهری نه فقط بستر، بلکه عامل و محصول تحولات تاریخی اند. در فرآیند بازتولید فضایی خیابان لاله زار، مکان هایی چون کافه رستوران کرامت نمونه ای گویاست که در دوره ی پهلوی با تغییر کاربری به کاباره ی افق طلایی بدل شد، سپس در اوایل جمهوری اسلامی متروک، و در ادامه به پاساژ فراز لاله زار تبدیل گردید؛ روندی که بیانگر جابه جایی پی در پی میان فضاهای عمومی و خصوصی با کنش هایی عمدتاً تهاجمی و گاه خودجوش بوده است. در نمونه ای دیگر، محل موسوم به «تهران-توکو» که در دوران قاجار با عملکردی خاص حضور داشت، در دوره ی پهلوی به تأثیر صادق پور تغییر یافت و در دوره ی جمهوری اسلامی بدل به سینما تابان شد و امروزه به ملکی خصوصی تبدیل شده است؛ این دگرگونی ها نشان دهنده ی سیر تدریجی حذف کنش های جمعی و جایگزینی آن با منافع فردی در بستر تغییرات گفتمانی و ساختاری شهر است.

مدرسه ی پسرانه ی سن لویی که در دوره ی قاجار با کاربری آموزشی و رویکردی عمومی بنیان نهاده شد، در دوره ی پهلوی نیز به فعالیت خود در همین چارچوب ادامه داد و همچنان به عنوان یکی از مراکز فرهنگی و آموزشی فرانسوی زبان در قلب تهران ایفای نقش می کرد. اما در دوره ی جمهوری اسلامی، این بنا توسط مؤسسه ی کیهان خریداری شد و از فضای آموزشی عمومی به کاربری رسانه ای با مالکیت خصوصی تغییر یافت. این دگرگونی، نمونه ای از تغییر فضا از عمومی به خصوصی با کنشگری تهاجمی از سوی نهادهای رسمی است که در بستر منش مرکزی و با هدف بازتعریف عملکردهای فضای شهری در راستای گفتمان های جدید قدرت شکل گرفت.

خانه ی امین السلطان که در دوره ی قاجار با کاربری مسکونی و مالکیت خصوصی و در چارچوب مناسبات اشرافی تعریف می شد، در دوره ی پهلوی نیز با خریداری آن توسط حاج رحیم اتحادیه، همچنان به عنوان فضایی خصوصی و مسکونی حفظ شد. اما در دوره ی جمهوری اسلامی با تغییر مالکیت و تبدیل آن به موزه، شاهد گذار از فضای خصوصی اشرافی به فضای عمومی فرهنگی هستیم؛ تغییری که با کنشگری نهادی و هدف دار و در بستر منش مرکزی شکل گرفت و در راستای گفتمان های نوظهور پیرامون حفظ میراث تاریخی، هویت شهری و بازآفرینی فضاهای واجد ارزش انجام پذیرفت. این فرآیند، بازتابی از جهت گیری جدید در سیاست های شهری نسبت به بازتفسیر گذشته و عمومی سازی فضاهای نخبه گرایی می باشد.

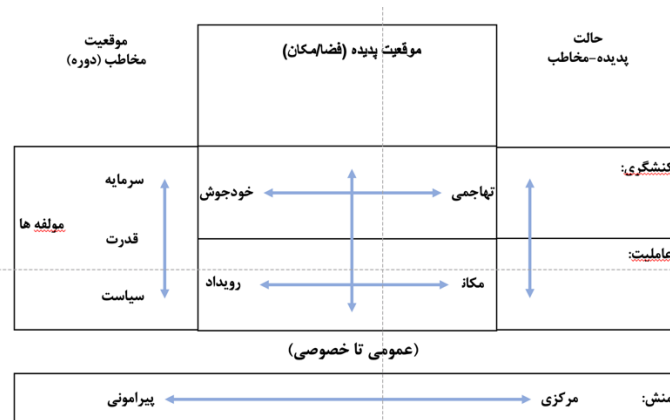
کوچه‌ی باربد در دوره‌ی قاجار یکی از فضاهای فرهنگی خیابان لاله‌زار بود که با استقرار یکی از نخستین سینماها، نقشی در شکل‌گیری فضای عمومی شهر ایفا می‌کرد. در دوره‌ی پهلوی، این کوچه به پاتوق سینماداران بدل شد و با نمایش فیلم‌های ارزان‌قیمت، فضایی مردانه و عمومی با منش مرکزی ایجاد کرد؛ کنشگری در این دوره بیشتر خودجوش و مبتنی بر جریان‌های فرهنگی مردمی بود. اما در دوره‌ی جمهوری اسلامی، با تعطیلی سینماها و تبدیل آن به انبارها، مغازه‌ها، شاهد تغییر جهت‌گیری فضا از عمومی به خصوصی هستیم. این تغییر با کنشگری تهاجمی و در راستای منطق سودآور سرمایه انجام گرفت و نشان‌دهنده‌ی چرخش گفتمانی از فضای فرهنگی مشارکتی به فضای مصرفی و کارکردی با منش پیرامونی است. شکل ۲ سیر تحول فضایی خیابان لاله‌زار را نشان می‌دهد.



شکل ۲. سیر تحول فضایی خیابان لاله‌زار: تلفیق کنشگری، منش و تحول فضایی در سه دوره‌ی تاریخی

نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که الگوی بازتولید فضای شهری در خیابان لاله‌زار طی دوره‌های تاریخی صفویه تا جمهوری اسلامی، از تلفیق سه مؤلفه‌ی اصلی قدرت، سیاست و سرمایه شکل می‌گیرد؛ مؤلفه‌هایی که در تعامل با مفاهیم کنشگری (از خودجوش تا تهاجمی)، عاملیت (مکان-رویداد) و منش (پیرامونی تا مرکزی)، در بستری گفتمانی پدیدار می‌شوند. شکل ۳ نمودار برآمده از پژوهش این روابط را به صورت ساختاری بازنمایی می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه با تغییر نسبت میان این مؤلفه‌ها در دوره‌های مختلف، الگوهای فضاسازی، هویت فضایی و کنش‌پذیری فضا دگرگون می‌شوند.



شکل ۳. نمودار الگوی برآمده از پژوهش

در این نمودار، محور افقی نشانگر طیف منش (از پیرامونی تا مرکزی) و محور عمودی نمایانگر طیف کنشگری (از خودجوش تا تهاجمی) است. نقطه‌ی تلاقی این دو محور، موقعیت مکان-رویداد را مشخص می‌کند که از منظر گفتمانی، عاملیت‌های متنوعی را در تولید و بازتولید فضا فعال می‌سازد. برای نمونه، خیابان لاله‌زار در دوره‌ی قاجار در نقطه‌ای میانی از این نمودار قرار می‌گیرد که در آن، کنشگری‌های فرهنگی-اجتماعی خودجوش، در عین حال با هدایت برنامه‌ریزی شده از بالا به پایین، فضا را شکل داده‌اند؛ در حالی که در دوره‌ی جمهوری اسلامی، خیابان لاله‌زار در موقعیتی با منش مرکزی اما کنشگری تهاجمی محدود و اقتصادی قرار دارد. بر این اساس، می‌توان گفت الگوی مفهومی پیشنهادی این پژوهش، ابزاری تحلیلی برای درک نحوه‌ی شکل‌گیری فضاهای شهری تاریخی ارائه می‌دهد و از حیث پیوند مفهومی گفتمان، مکان-رویداد و عاملیت تولید فضا، نوآورانه محسوب می‌شود.

پیشنهادهای کاربردی این پژوهش برای سیاست‌گذاران، معماران و مدیران شهری به شرح زیر است:

- طراحی پروژه‌های احیای بافت تاریخی مرکز شهر با در نظر گرفتن لایه‌های گفتمانی و نه صرفاً کالبدی
 - شناسایی منش‌های تاریخی پیرامونی و فعال‌سازی ظرفیت‌های کنشگری خودجوش برای ارتقاء مشارکت مردمی در فضا
 - استفاده از مدل‌های تحلیلی مبتنی بر مکان-رویداد برای ارزیابی سیاست‌های بازآفرینی و طراحی شهری
 - بازنگری در سیاست‌های یک‌دست‌ساز و تمرکزگرا که سبب خاموشی حافظه‌ی اجتماعی و فرهنگی مکان‌های تاریخی می‌شوند
- در مجموع، این پژوهش می‌کوشد تا الگویی مفهومی و قابل کاربرد برای تحلیل تولید فضای شهری از طریق خوانش گفتمان‌های تاریخی و بررسی کنشگران درون فضا ارائه دهد؛ الگویی که می‌تواند در فهم پیچیدگی‌های تولید و بازتولید فضاهای شهری و در فرآیند برنامه‌ریزی و طراحی شهری آینده، مورد استفاده قرار گیرد.

References

- Alejandro, Zhao, A. (2024). multi-method qualitative text and discourse analysis: a methodological framework. *qualitative inquiry*, 30(6), 461-473. Doi: <https://doi.org/10.1177/10778004231184421>
- Alemi, M. (1985). The 1891 map or Tehran: two cities, two cultures. in *invironmental design: journal of the islamic environmental design research center 1*, 74-84. URL: <https://www.archnet.org/publications/3187>
- Allen, J. (2000). On Georg Simmel: proximity, distance and movement. In M. Crang, Thrift, *Thinking space* (pp. 54-70). London: Routledge URL: <https://www.routledge.com/Thinking-Space/Crang-Thrift/p/book/9780415160162?srsId=AfmBOoox7PvLy2qktCAMiOSLY-aLITDeijoBsbtirwAkSNz63wryziri>
- Ashouri, Irandoost, Khaleghpanah, K. (2018). conflict in unofficial production of space in Sanandaj city . *Geography and Urban space development*, 5(1), 211-242. (In Persian) Doi: <https://doi.org/10.22067/gusd.v5i1.72321>
- Atashinbar, M. (2023). Lalehzar: the front line of Tehran's modernization (the street as the modernity diffusion frame from the city into the society. *Bagh-e-Nazar*, 101-110, 20(129). (In persian) Doi: <https://doi.org/10.22034/bagh.2024.441276.5560>
- Baharlu, A. (2023). *cinema arson in Iran*. Tehran: Ghatreh publication.
- Barghamadi, Mohaghegh Montazari, H. (2020). Social Impacts of Organizing Cultural and Historical Streets: A Case study of Lalehzar Street. *Quarterly Journals of urban and regional development planning*, 5(14), 113-140. (In persian) Doi: <https://doi.org/10.22054/urdp.2021.62581.1366>
- Brenner, N., Elden, S. (2009). Henri Lefebvre on State, Space, Terriorty. *International political sociology* 3(4), 353-377. Doi: [10.1111/j.1749-5687.2009.00081.x](https://doi.org/10.1111/j.1749-5687.2009.00081.x)

- Edema, Owhin, M. (2016). *Exploring the Production of Urban Space Differential Space in Three Post-Industrial Cities*. London: Bristol university press. Doi: <https://doi.org/10.46692/9781447305750>
- Fakouhi, N. (2004). *urban anthropology*. Tehran: Ney publishing.
- Farabi-Asl, N., Rafieian, M., Khatibi, S. M. (2021). Explaining the power relations of the actors of production and reproduction of the urban space of Abbas-Abad land in Tehran, *Haft Hesar J Environ Stud*, 10(37), 99-120. (In persian) Dor: <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.23225602.1400.10.37.12.9>
- Farabi-Asl, N., Rafieian, M., Khatibi, S. M. (2023). Towards a balance of power distribution among urban space production actors-development of PIUS theory (model of people-space-government participation). *journal of studies of humman settlements planning*, 18(2), 93-113. (In persian) Dor: <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.25385968.1402.18.2.10.9>
- Foucault, M. (1971). *l'ordre du discours*. Translate (B. Parham,), Paris: Gallimard.
- Gauthiez, B. (2020). *The production of Urban Space, Temporality, and Spatiality Lyons, 1500-1900*. Berlin, Boston: DE GRUYTER oldenbourg. Doi: <https://doi.org/10.1515/9783110623062>
- Habibi, S. M., Ahari, S. (2008). Lalehzar- A promenade, from Garden. *journal of fine arts: architecture and urban planning*, 34(0), 5-15. (In persian) URL: https://jhz.ut.ac.ir/article_19405.html
- Habibian, N., Rahmanpour, G. (2015). the transformation of the concept of theater on Lalehzae street as a showcase of Iranian modernity. *Ketabe sahne*, 98, 88-109. (in persian)
- Harvey, D. (1985). *The urbanization of capital: studies in the history and theory of capitalism*. Michigan: The Johans Hopkins university press. URL: https://books.google.com/books/about/The_Urbanization_of_Capital.html?id=5lvaAAAAMAAJ
- Harvey, D. (1988). *Social Justice and the city*. Oxford: Blackwell publisher URL: <https://erikafontanez.com/wp-content/uploads/2017/09/david-harvey-social-justice-and-the-city.pdf>
- Harvey, D. (1989). Managerialism to Entrepreneurialism: The Transformation in Urban Governance in Late Capitalism. *human geography*, 71(1), 3-17. Doi: <https://doi.org/10.1080/04353684.1989.11879583>
- Harvey, D. (1990). Between Space and Time: Reflections on the Geographical Imagination. *Annals of the association of American Geographical* 80(3), 418-434. Doi: <https://doi.org/10.1111/j.1467-8306.1990.tb00305.x>
- Harvey, D. (2000). *Space of Hope*. Edinburgh: Edinburgh University Press URL: <https://edinburghuniversitypress.com/book-spaces-of-hope.html>
- Johnson, M. N., & McLean, E. (2020). Discourse analysis.
- Khorshidi, K. (2015). the dream of Lalehzar in imagined image; a conversation with Khosro Khorshidi. (In persian)
- Lefebvre, H. (1991). *The production of space*. (D. N. Smith, Trans.) Cambrided: Blackwell URL: <https://iberian-connections.yale.edu/wp-content/uploads/2020/04/The-production-of-space-by-Henri-Lefebvre-translated-by-Donald-Nicholson-Smith.pdf>
- Lehtovuori, P. (2016). *experience and conflict: the production of urban space*. New York: Routledge. Doi: <https://doi.org/10.4324/9781315255682>
- Marx, K. (1990). *Capital: a Critique of Political Economy (Vol. 1, Trans. B. Fowkes)*. London: Penguin Books. URL <https://www.marxists.org/archive/marx/works/download/pdf/Capital-Volume-I.pdf>

- Mitchell, D. (2003). *the right to the city social justice and the fight for public space* (first edition ed.). New York, London: Guilford press URL: <https://erikafontanez.com/wp-content/uploads/2017/09/mitchell-the-right-to-the-city.pdf>
- Mohammadpour, A. (2021). *counter-method: the philosophical underpinnings and practical procedures of qualitative methodology*, Tehran: Logos. (In persian)
- Moradi, F. (2015). from Lalehzar garden to the gaudiness of banality. *Azma journal*, 109, 46-51. (In persian)
- Muliani, Khatib Nur Ali, S. (2022). a multimodal discourse analysis of "Lathi" song. *international journal of linguistics, literature and translation*, 66-72. Doi: <https://doi.org/10.32996/ijlt.2022.5.1.9>
- Pakzad, J. (2010). *an intellectual history of urbanism (3) from space to place*. (2nd Ed) Tehran: Armanshahr. (In persian)
- Pouladvand, M. (2012). *Grants of Tehran: the condemnation of Lalehzar*. Tehran: Manouchehri publishing. (In persian)
- Pourzargar, M., Abedini, H., Etemadi, S. M. (2021). The Contribution of "Street" Component in the Process of Modernization and the Development of Tehran Case Study: The Lalehzar Street. *Bagh-e Nazar*. 17(91), 5-16. (In persian). Doi: <https://doi.org/10.22034/bagh.2020.219365.4461>
- Raeisi, F. (Director). (2020). *residents of the upper Lalehzar* [Motion Picture]. (In persian) URL:
- Rezaei, M. (2014). *design analytica: reviewing theories and concepts in contemporary design process of form and space* (Tehran: Islamic Azad university Tehran central branch). URL: https://www.researchgate.net/publication/372720319_Design_Analytica_Reviewing_Theories_and_Concepts_in_Contemporary_Design_Process_of_Form_and_Space. (In persian)
- Rezaei, M. (2019). the progress and trend trajectory in urban design projects of the Islamic Republic of Iran (implemented projects in Tehran from 1980-2015). *Quarterly journals of urban and regional development planning*, 3(4), 35-66. (In persian) Doi: <https://doi.org/10.22054/urdp.2019.41002.1110>
- Rezaei, M. (2021). Design Participation Theories. In M. Rezaei, *Reviewing Design Process Theories: Discourses in Architecture, Urban Design and Planning Theories*, 39-47. Cham: Springer. Doi: [10.1007/978-3-030-61916-9_5](https://doi.org/10.1007/978-3-030-61916-9_5)
- Rezaei, M. (2022). urban "place-making" through "walkability". *urban planning knowledge*, 6(3), 121-139. (In Persian) Doi: <https://doi.org/10.22124/upk.2023.21599.1722>
- Rezaei, M., Irani Molkian, A. (2020). the contribution of the "Human Scale" to the success of urban projects (case study: Tehran urban restoration projects in the 1380s SH). *Quarterly journals of urban and regional development planning*, vol.5, 1-28. (In persian) Doi: <https://doi.org/10.22054/urdp.2021.57686.1275>
- Rezaei, M., Marzi, R., & Shojaee, E. (2022). Embedded heritage: the role of information and communication technology (ICT) in urban placemaking (case study: Tehran's citadel). *Journal of Historical Archaeology and Anthropological Sciences*, 7(3), 152-158. Doi: [10.15406/jhaas.2022.07.00265](https://doi.org/10.15406/jhaas.2022.07.00265)
- Roberto, Varzi, C. (2022). *The Stanford Encyclopedia of Philosophy*. Retrieved from. Doi: <https://plato.stanford.edu/archives/sum2020/entries/events/>
- Sassen, S. (2001). *the global city New York, London, Tokyo* (second edition ed.). Princeton: Princeton university press Doi: <http://dx.doi.org/10.1515/9781400847488>

- Serdar, A. (2025, June). Production of space and time in 'New' Turkey: Re-conquest and resistance in the making of Istanbul Airport. *Geoforum*, 162. Doi: <https://doi.org/10.1016/j.geoforum.2025.104277>
- Simmel, G. (1971). *The Metropolis and Mental Life*. Chicago university press. URL: https://www.blackwellpublishing.com/content/bpl_images/content_store/sample_chapter/0631225137/bridge.pdf
- Smith, N. (1996). *the new urban frontier gemtrification and the revanchist city* (first edition ed.). London and New York:Rotledge. URL: https://www.routledge.com/The-New-Urban-Frontier-Gentrification-and-the-Revanchist-City/Smith/p/book/9780415132558?srsId=AfmBOoq6_cmTMe55CqPUNTFCfrefxUVemGLOCITq6eujbJgBlwFKpU8Lm
- Soja, E. W. (1996). *Thirdspace journeys to Los Angeles and other real and imagined places*. OxFord: Blackwell publishing URL: <https://archive.org/details/thirdspacejourne0000soja>